هفته نامهٔ

مجاهد

والذین جاهدوا فینا... (وانان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است)
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

استیضاح، سلب اعتماد و تفسیر قانون اساسی! ص۲

طالبان پس از ملا دادالله ص۳

داکتر سپنتا چرا سلب اعتماد شد؟ ص۳

ولس د سرحدي پاسوالو په ننگه دی ص۶

دور ششم   سال ششم   شمارهٔ شش   شنبه ۲۹ ثور ۱۳۸۶   ۲ جمادی الأول ۱۴۲۸ -   May 19 , 2007

استاد ربانی بر مزار شهید استاد فرید به روح وی دعا کرد



روز دوشنبه استاد با جمعی از دوستان جهت اتحاف دعا به روح استاد فرید به ولایت کاپیسا رفتند. استاد نخست بر سر گور استاد فرید و سپس به خانهء ایشان رفت، از استاد خانوادهء شهید استاد فرید و پدر او و فرزند و خویشاوندانش و برخی از مسؤولان ولایت کاپیسا و برخی از بزرگان و فرماندهان جهادی این ولایت پذیرایی کردند.

استاد، استاد فرید را یکی از چهره های برازندهء دوران جهاد و مقاومت خواند و گفت: استاد فرید تنها به خانواده اش تعلق نداشت او به همهء مردم مسلمان و مجاهد افغانستان تعلق داشت و یکی از شخصیت های بسیار مهم در دوران جهاد و به ویژه پس از پیروزی مجاهدین و در شرایط کنونی بود.

استاد گفت: دشمنان مردم افغانستان و دشمنان سر افرازی ملت مجاهد افغانستان نمی توانند وجود چنین شخصیت هایی را تحمل کنند.

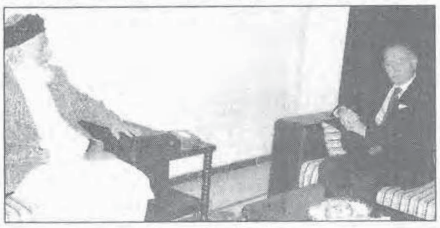
همچنان استاد در مصاحبه یی کوتاه به تلویزیون کاپیسا گفت: استاد فرید تنها یک شخصیت جهادی و یک فرمانده دلیر نبود بلکه او یک شخصیت مهم اجتماعی، حلیم و متواضع نیز بود.

پدر استاد فرید در خطاب به استاد ربانی گفت: او (استاد فرید) در میان رهبران مجاهدین به جناب شما احترامی خاص قایل بود و شما در دید وی جایگاهی خاص داشتید.

استاد فرید فرماندهء مشهور جهاد در ولایت کاپیسا و نخستین نخست وزیر دولت مجاهدین و عضو مجلس سنا روز ۱۳ حمل در مقابل منزلش در شهر کابل به ضرب گلوله حین پایین شدن از موتر حاملش به شهادت رسید.

راننده و محافظانش به اتهام دست داشتن در توطئهء قتل وی دستگیر شده و تحت بازرسی قرار دارند.

دبیر کل سازمان کشورهای اسلامی با استاد ربانی دربارهٔ مسائل افغانستان گفتگو کرد



دبیر کل سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی روز دوشنبه قبل از ظهر با رهبر جهاد و مقاومت استاد ربانی در منزلش دیدار و دربارهٔ مسائل افغانستان و راه حل های دایمی برای مشکلات کشور گفتگو کرد.

استاد ربانی نقش سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی و عربی را در حل مسائل این کشورها از جمله افغانستان بسیار مهم و ارزنده خواند و خواهان نقش فعال تر سازمان کشورهای اسلامی در مسائل افغانستان شد.

به گزارش دفتر استاد ربانی دکتر احسان دبیر کل سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی مشورت های استاد ربانی دربارهٔ ابعاد بیرونی و درونی مسائل افغانستان سودمند تلقی کرد و آن را ستود.

بدخشان سرزمین شهادت، زیبایی و محرومیت

یادداشت هایی از سفر اخیر استاد ربانی به ولایت بدخشان

ص۴

وزیر اطلاعات و فرهنگ در یک حملهء انتحاری زخمی و سه تن دیگر کشته شدند



روز پنجشنبه گذشته عبدالکریم خرم وزیر اطلاعات و فرهنگ با رئیس اطلاعات و فرهنگ ولایت قندهار و دوتن دیگر از همراهانش در شهر قندهار در یک حملهء انتحاری مجروح شدند، و سه تن دیگر که افراد غیر نظامی و عادی خوانده شده اند کشته شدند.

عبدالکریم خرم روز پنجشنبه جهت انجام کارهای رسمی به قندهار سفر کرده بود که مورد این حمله قرار گرفت.

هرچند وضعیت صحی وزیر اطلاعات و فرهنگ از سوی منابع دولتی خوب توصیف شده است اما قراینی وجود دارد که دلالت به وخیم بودن وضعیت صحی او دارد.

او و همراهانش پس از حادثه به شفاخانهء چهارصد بستر نظامی کابل انتقال داده شده اند و تحت معالجت قرار دارند، اما تا هنوز دکتران معالجش برای دوستان وی اجازهء ملاقات را نداده اند و حتی از ورود افراد بلند پایهء دولتی هم به نزد وی جلوگیری می کنند برخی این برخورد را ناشی از وضعیت وخیم وی می دانند.

سرازیر شدن سیلاب ها در بدخشان زیان هایی مالی و جانی فراوان بار آورد

شام دوشنبه   ثور برخی از نقاط بدخشان را سیلاب زد. این سیلاب ها که در مدت ده روز دوبار تکرار شده است، بسیار هول انگیز و بی سابقه بوده است.

در سیلاب های شام دوشنبه گذشته مناطق یردار در حومهء شهر بهارک و روستاهای لنگرو کگوری در ولسوالی تگاب کشم، و روستای ساخا در ولسوالی شهدا، و اوشکان در ولسوالی وردوج، و روستای علی مغل ها و روستاهای فرغامنج در ولسوالی جرم و بازار اتفاق و روستای نالن در ولسوالی یفتل پایان شدیداً خسارتمند شده است.

در سیلاب های شب ۱۴ ثور روستاهایی در ولسوالی بهارک از قبیل فرامرق و خیر آباد و ربابی و سرشهر و دهه و پس ره و... شدیداً آسیب دیده بود در اثر این سیلاب ها در روستاهای متذکره بیش از بیست نفر کشته و ده ها نفر دیگر مجروح شده بودند.

شمس الرحمن شمس معاون و سرپرست ولایت بدخشان در تماس تلفنی در این باره گفت: تنها در حادثهء نخست به تعداد ۱۵۴۱ خانواده آسیب دیده بودند اما دربارهء خسارات مالی و جانی حوادث بعدی این سیلاب ها معاون والی گفت تا هنوز آماری دقیق از زیان ها و آسیب دیدگان آماده نشده است اما تعدادی زیاد از خانه های مسکونی ویران و شماری فراوان از حیوانات و مواشی کشته شده اند و صدها جریب زمین زراعتی و صدها باغ از میان رفته است.

به سخن معاون والی بدخشان در طی نیم در حوادث سیلاب ها در این ولایت ۷۳ نفر کشته و ۵۳ نفر زخمی شده اند.

حاجی عبدالواجد واجد رئیس دفتر هماهنگی مؤسسات کمک کننده و رئیس مجلس اداری ولایت گفت: مؤسسات کمک کنندهء مقیم فیض آباد به موارد آسیب دیده و آسیب دیدگان در سیلاب های پیشین کمک هایی قابل ملاحظه کردند، اما این کمک ها هرگز با حجم ویرانی های سیلاب ها متناسب نبوده است.

شمس الرحمن شمس سرپرست ولایت بدخشان گفت: دولت توسط برخی از نمایندگان مانند فضل العظیم مشهور به زلمی خان موادی را مستقیماً از کابل توسط هلی کوپتر به مناطق سیلاب زده انتقال داده اند بدون آن که مقامات ولایت بدخشان را در جریان قرار بدهند. او افزود: جهت بررسی و آمار گیری زیان های این سیلاب ها و کمک رسانی به آسیب دیدگان کمیسیونی در مرکز ولایت از مؤسسات کمک دهنده و جمعیت هلال احمر افغانی و مسؤولان دولتی تشکیل شده است تا پروسهء کمک رسانی به آسیب دیدگان را به گونهء دقیق و متوازن انجام بدهد، و این گونه کارهای خودسر از مرکز به جای کمک به آسیبه دیدگان به مشکل ما می افزاید.

بر اساس یک خبر دیگر شماری از موی سفیدان بهارک دیروز در مسجد جامع شهر بهارک آقای فضل العظیم مجددی (زلمی خان) را متهم به تفرقه افگنی درمیان مردم و مسلح کردن افرادی غیر مسؤول کردند و این کار او را عامل بی امنیتی و سرقت های مسلح در شهر بهارک خواندند

فرمانده پلیس ولایت بدخشان زخمی و یک محافظش کشته شد

روز چهارشنبهء گذشته ساعت ۸ صبح حینی که آقای کینتور فرماندهء پلیس ولایت بدخشان از منزلش به سوی دفتر کارش در حرکت بود، موترش مورد انفجار ماینی قرار گرفت که از دور کنترل می شد.

در اثر این انفجار یکی از محافظان فرمانده پلیس کشته و خودش و چهار تن دیگر از محافظانش زخمی شدند. فرماندهء پلیس بدخشان که شدیداً مجروح شده است جهت مداوا به ولایت بلخ انتقال یافته است.

چندین تن به دلیل دست داشتن در این حادثه مورد پی گیرد پلیس قرار گرفته اند و تا هنوز یکی از آنان به دست پلیس افتاده است.

دو هفته پیش چهار نفر به اتهام دست داشتن در طرح و اجرای حملات تروریستی در بدخشان توسط نیروهای امنیتی و پی آر تی در حومهء فیض آباد مرکز ولایت بدخشان دستگیر شده بودند.

آدرس جدید مجاهد در انترنت

Website: www.mujahidweekly.com
Email Address: mujahid1357@yahoo.com

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر: دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
ادرس: کابل- چهار راهی زنبق ـ هتل و رستورانت زنبق طلائی
صندوق پستی: ۲۲٦
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahidweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

استیضاح، سلب اعتماد و تفسیر قانون اساسی!

روز پنجشنبه ۲ ثور، وزرای امور عودت مهاجران و امور خارجه در جلسهٔ ولسی جرگه مورد استیضاح قرار گرفتند که در نتیجه آقای محمد اکبر اکبر وزیر عودت مهاجران با ۱۳٦ رأی عدم اعتماد، ٥٤ رأی اعتماد (از جمع ۱۹٥ رأی) سلب اعتماد گردید. در مورد وزیر امور خارجه به دلیل وجود یک رأی مشکوک! قرار بر این شد که در جلسهٔ روز شنبه ۲۲ ثور فیصله به عمل آید. همان بود که وزیر امور خارجه با ۱٤۱ رأی عدم اعتماد نیز سلب اعتماد گردید ولی مقام ریاست جمهوری با پخش اعلامیه یی شتابزده در پی حمایت وزیر (دکتر رنگین دادفر سپنتا) بر آمد که در این اعلامیه آمده است:

"... در مورد رأی عدم اعتماد به وزیر امور خارجه رئیس جمهوری اسلامی افغانستان با در نظر داشت تلاش های مستمر وی جهت جلوگیری از اخراج جبری هموطنان مهاجر ما از ایران در دو مورد مشخص طالب تفسیر و وضاحت از جانب ستره محکمهٔ جمهوری اسلامی افغانستان می باشد. این مواد عبارتند از:

اول - آیا استیضاح از وزیر امور خارجه در موردی که با کار وی ارتباط مستقیم ندارد قابل توجیه می باشد یا نه؟ قانون اساسی کشور در این رابطه چه صراحت دارد؟

دوم - وضاحت و تفسیر قانون اساسی کشور در مورد استیضاح دو نوبتی از وزیر امور خارجه از ستره محکمهٔ جمهوری اسلامی افغانستان تقاضا به عمل می آید تا در مورد استیضاح دو مرتبه یی و این که کدام نوبت آن مطابقت با قانون دارد در پرتو احکام قانون اساسی توضیح و تفسیر لازم ارائه نماید. خصوصاً با در نظر داشت طرزالعمل ولسی جرگه در رابطه با رأی باطل در گذشته.

بنا بر این بعد از وصول رأی ستره محکمه منحیث ارگان تفسیر کنندهٔ قانون اساسی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در مورد سرنوشت وزیر امور خارجه کشور تصمیم نهایی را اخذ خواهد نمود.

بناءً تا فیصلهٔ ستره محکمه، وزیر امور خارجه به وظیفهٔ خود کما کان ادامه می دهد.

در اعلامیه از ستره محکمه در موارد یاد شده وضاحت خواسته شده و حتی از تفسیر مادهٔ نود و دوم قانون اساسی نیز به ستره محکمه محول گردیده است!

سوال اساسی ضرورت صدور اعلامیهٔ فوق است! رئیس جمهور با اطرافیان و مشاوران نزدیک او چرا با این عجله و شتاب در برابر ولسی جرگه قرار گرفته و یا قرار داده شده است! و چرا در این اعلامیهٔ شتابزده با بیان سست و دلایل بی اساس از یک امر کاملاً واضح، طلب توضیح شده است!

وزیر امور خارجه که مدعی داشتن شخصیت علمی و اکادمیک است؛ بایستی در عصر همان روز اول (پنجشنبه ۲۰ ثور) و قبل از روشن شدن رأی عدم اعتماد در روز شنبه، استعفا می داد و بدین وسیله شورا و رئیس جمهور را از این مخمصه می رهاند و باز بر رئیس جمهور بود که با درایت و فراست و مصلحت اندیشی ها بسان وزیر امور مهاجرین، سلب اعتماد از وزیر امور خارجه را نیز می پذیرفت و به رأی نمایندگان احترام می گذاشت.

در مادهٔ یکصد و بیست و یکم قانون اساسی "برای مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می باشد" نه تفسیر قانون اساسی!

متأسفانه که در قانون اساسی، مرجع تفسیر این قانون نشاندهی نشده است؛ حالانکه مطابق قانون اساسی ۱۳٤۳ این مرجع ستره محکمه بود!

بدون شک که این اقدام ریاست جمهوری زمینهٔ بی اعتماد میان قوای سه گانهٔ دولت را بیشتر خواهد ساخت و هرگز به امنیت، استقرار و ثبات در کشور کمک نخواهد کرد.

طالبان پس از ملا دادالله



وحید مژده

ملا دادالله فرمانده خشن، سنگدل و نیرومند طالبان در ولایت هلمند، در ولسوالی سنگین این ولایت در نبرد با نیروهای ائتلاف و افغان، جان باخت. بسیاری از تحلیلگران مرگ وی را سرآغاز یک تحول در جنگ های جنوب افغانستان ارزیابی کرده اند.

در مورد ملا دادالله مانند رهبر و بسیاری از فرماندهان گروه طالبان، معلومات زیادی در دست نیست. آنها حتی در دوران حاکمیت شان نیز علاقه یی به صحبت کردن در مورد خویش نشان نمی دادند و بسیار کمتر از امروز تمایل به قرار گرفتن در برابر دوربین عکاسی و فیلمبرداری داشتند.

دادالله در جنگ علیه دولت اسلامی به رهبری استاد ربانی اشتراک داشت. طالبان در مسیر دشوار رسیدن به کابل، چهار هزار کشته و هزاران مجروح دادند. ملا محمداَخند، ملا مشر و ملا بورجان در قطار کشته شده ها بودند. در هنگام وارد شدن طالبان به شهر کابل، ملادادالله دوران نقاهت ناشی از مجروح شدن و قطع پایش را می گذرانید و در کاروانی که وارد کابل شد شامل نبود و هنوز توان کامل برای راه رفتن با پای مصنوعی را نداشت.

نام ملا دادالله زمانی بر سرزبانها افتاد که در حملهٔ اول به مزارشریف، وی غیرنظامیان زیادی را به قتل رساند. از آن به بعد وی به یک فرمانده خشن و بیرحم معروف گردید. بعداً ملا محمد عمر وی را از کار برکنار و خلع سلاح نمود. ملا دادالله بعد از مدتی با وساطت دوستان و نیز ضرورتی به وجودش در میدان جنگ با جبههٔ متحد احساس گردید، مجدداً مسلح ساخته شد. او مدتی نیز فرماندهی بخشی از نیروهای طالبان در شمال کابل را به عهده داشت.

پس از یازدهم سپتامبر زمانی که امریکا برای حمله به افغانستان آمادگی می گرفت، دو فرمانده مهم طالبان در شمال بودند، ملا فاضل محمد (لوی درستیز) و ملا دادالله.

زمانی که پس از دوماه بمباران سنگین، نخستین نشانه های سقوط طالبان در شمال ظاهر شد، نیروهای طالبان در مزارشریف نیز برای دفاع از خود مجبور به ترک مزار و رفتن به سوی کندز شدند. این نیروها در مسیر راه (ایرگنک) در اثر حملهٔ هوایی امریکایی ها تلفات شدید دیدند و سرانجام باقی ماندهٔ این نیروها با نیروهای طالبان مستقر در کندز پیوستند که ملا دادالله نیز در میان آنان بود.

نام ملا دادالله زمانی بر سرزبانها افتاد که در حملهٔ اول به مزارشریف، وی غیرنظامیان زیادی را به قتل رساند. از آن به بعد وی بیرحم به یک فرمانده خشن و معروف گردید

سازمان دهی مجدد

پس از سقوط طالبان، این تحریک ضربهٔ شدید را متحمل گردید و رهبران آن یا دستگیر و یا مخفی شدند و مجدداً به مدارس برگشتند. ملا دادالله پس از رسیدن به کویته، در تلاش یافتن یاران سابق شد. او برای بازسازی نیروی طالبان به هر شهری سرکشید اما درابتدا توفیقی نداشت. در پیشاور برخی از رهبران طالبان به وی از تبعیضی که میان طالبان لوی قندهار و سایر نقاط کشور در دوران حاکمیت طالبان وجود داشت سخن گفتند و در (الآصف سکوائر) کراچی دادالله زمانی به شدت ناراحت شد که یکی از وزرای سابق طالبان به وی گفت که: (ما بنام خدمت به اسلام، ناخود آگاه و از روی جهالت آن قدر به اسلام ضربه زدیم که دشمنان اسلام در صد ها سال قادر به این کار نشدند).

دادالله فرماندهی بود که سایهٔ قدرتش مجال تبارز را از سایر جنوب گرفته فرماندهان طالبان در بود. هر عملیاتی که در چهار ولایت (هلمند، ارزگان، قندهار و زابل) می گرفت، سخن از ملا صورت دادالله بود. اکنون این امکان نیز موجود است که فرماندهان دیگر نیز مجال تبارز به دست آورند

وضع برای مدتی مأیوس کننده بود اما اشتباهاتی در جنوب صورت گرفت که به نفع طالبان تمام شد. امریکایی ها در جستجوی اسامه بن لادن دست به کارهایی زدند که به نارضایتی مردم جنوب انجامید. در عین حال دولت کرزی در این مناطق حساس، اشخاصی را به عنوان والی و فرمانده تعیین نمود که رفتار و عملکرد آنها مخالفت هایی شدید را در میان مردم به وجود آورد.

طالبان که اساساً خود شان تحت فشار نیروهای خارجی و مأمورین دولت قرار داشتند از این نا رضایتی مردم استفاده کردند و در برابر نیروهای خارجی و عساکر حکومتی دست به مبارزهٔ مسلحانه زدند.

از آنجا که ملا دادالله بیشتر از دیگران ابتکار برقراری این پیوند ها را به عهده داشت، اندکی پس از کشته شدن ملا روزی خان، نام ملا دادالله به عنوان یک فرمانده قدرتمند بر سر زبان ها افتاد.

زرقاوی افغانستان

ملا دادالله را با ابومصعب الرزقاوی فرمانده پیشین القاعده در عراق مقایسه شده است. هرچند از نظر تشکیلاتی ملا دادالله فرمانده تحت فرمان ملا محمد عمر بود اما همان گونه که قبلا اشاره شد، وی در موارد متعدد به رأی خود عمل می کرد. بیرحمی یی که وی در سربریدن افراد به اتهام جاسوسی به نمایش گذاشت، و پخش این صحنه های تکان دهنده توسط سی دی، چهرهٔ بسیار خشن از طالبان را نشان می داد.

نقش ملا دادالله در ترغیب جوانان به دست زدن به عملیات انتحاری، یادآور عراقی شدن خشونت ها در افغانستان بود. بعضی ها به این باورند که این مسایل موجب اختلاف میان ملا محمد عمر و دادالله شده بود اما خود طالبان این مسأله را رد می کنند.

طالبان پس از ملا دادالله

بدون شک برای طالبان، یافتن جانشینی برای ملا دادالله کار آسانی نخواهد بود و مرگ وی روی قدرت رزمی طالبان در ولایت هلمند تأثیر خواهد داشت. اما کشته شدن یک فرمانده نهایت بی رحم، می تواند سربریدن ها را کاهش دهد و روی وجههٔ طالبان در ذهن مردم تأثیر بگذارد.

دادالله فرماندهی بود که سایهٔ قدرتش مجال تبارز را از سایر فرماندهان طالبان در جنوب گرفته بود. هر عملیاتی که در چهار ولایت (هلمند، ارزگان، قندهار و زابل) صورت می گرفت، سخن از ملا دادالله بود. اکنون این امکان نیز موجود است که فرماندهان دیگر نیز مجال تبارز به دست آورند و هرکدام در رقابت برای جانشین شدن ملا دادالله، موج خشونت را افزایش دهند.

داکتر سپنتا چرا سلب اعتماد شد؟

مهدی



دکترسپنتا وزیر امورخارجه که به روزهای پنجشنبه و شنبه در مجلس نمایندگان برگزارگردید به ترتیب با گرفتن ۱۲۴ و۱۴۱ رأی عدم اعتماد سلب صلاحیت شد. گرفتن این رقم بالای رأی عدم اعتماد تا اندازه یی غیر مترقبه به نظر می رسید. دکترسپنتا غافلگیر شد و سلب صلاحیت برایش کاملا غیرمترقبه جلوه نمود. وزیر خارجه درسخنرانی یی که دو روز پیش از برگزاری نشست پارلمان داشت، با اطمینان زیاد گفته بود در پست وزارت امورخارجه می ماند و اصلاحاتی صورت نخواهد گرفت.

استیضاح وزیران مهاجرین و امور خارجه طبق لوایح داخلی پارلمان صورت گرفت و نمایندگان آن را کاملاً مطابق قانون می دانند، اما طرفداران وزیر خارجه استدلال دارند که استیضاح وی یک اقدام سیاسی بوده است. اما بدون شک در حمایت نمایندگان از استیضاح آقای سپنتا عوامل متعددی تأثیر گذار می باشد که اگر نمایندگان باور داشتند که باز گرداندن ضربتی آوارگان از طرف ایران به سبب ضعف وزارت خارجه بوده است، قابل درک است و باید پارلمان در برابر چنین حوادثی احساس مسؤولیت نماید و ارگان های اجرایی را متوجه وظایف شان بسازد، اما نمی توان نقش عوامل دیگری را در این تصمیم نمایندگان بی تأثیر دانست. در این جا به این عوامل اشاره می شود.

مخالفت های روز افزون در پارلمان در برابر دکترسپنتا عامل عمدهء استیضاح و رأی عدم اعتماد علیه وی شمرده می شود. هنگام رأی گیری جهت تأیید وزیران پیشنهادی آقای کرزی، دکتر سپنتا رأی سپنتا بالایی را به دست آورد، در آن رأی گیری

عمدتاً شماری به علت نارضایتی از رهبری سابق وزارت به نفع آقای سپنتا رأی دادند و عده یی دیگر بر اساس سفارش ها ومشوره های حکومت از وی حمایت نمودند، اما این حمایت بسیار شکننده بود و وضع آنها می توانست به آسانی تغییر نماید. هر دو گروه، در حمایت از دکترسپنتا برآورده شدن هدف ها و منافع شخصی وگروهی خویش را تقاضا داشتند، انها این تقاضای خود را درگذشته با سپنتا در میان گذاشتند و او را تحت فشار قرار دادند، چنانچه وی چند ماه پیش در یک سخنرانی در وزارت خارجه به این خواست ها و فشارها اشاره نمود. هر دو گروه عمده طرفدار دکترسپنتا، که نتوانستند به آرزوهای خود در رهبری وی دست پیدا کنند، آرا م آرام در جبههء مخالف موضع گیری نمودند. اما اکثر آنانی که از آغاز با رویکردها و برنامه های اعلان شدهء آقای سپنتا مخالفت نمودند و احساس ناراحتی داشتند، تا پایان در این موضع خود باقی ماندند و اگر دکترسپنتا نتوانست و یا نخواست آن برنامه ها و سیاست های اعلان شده را عملی سازد، تلاشی هم برای رفع نگرانی های مخالفین انجام نداد و بدین صورت جبههء مخالف دکتر سپنتا در مجلس نمایندگان توسعه یافت و گروه های مختلفی به آن پیوستند.

عامل دیگری که در به میان آمدن فضای بی اعتمادی نسبت به رهبری دکترسپنتا در افکار عامه از جمله نمایندگان مردم، موثر بود اصلاحات و برنامه های اعلان شدهء وی در وزارت امورخارجه، نحوهء طرح این اصلاحات و بالآخره نا کار آمدی و شکست این اصلاحات بود. دکترسپنتا به صورت مکرر در سخنرانی ها و گزارش های خویش ادعای پیاده نمودن اصلاحات اساسی، ایجاد تغییرات ساختاری و کادری و نوسازی در وزارت را نمود، اما هیچگاه نتوانست یک برنامهء سامان یافته و تدوین شده در این زمینه ارائه نماید، نظریات و رویکردهای وی به صورت آشکار دوچار تناقض بود، وی، از یک سو حمایت از اصل شایسته سالاری، تخصص محوری، وفاداری به نظام و کشور را مطرح نمود و از جانب

برخی می گویند کرز ی علاقه مند برکناری داکتر سپنتا است واین پروسه را تحت نظرداشت و درست زمانی دست به حمایت سپنتا زد که دیگر زمینه برای ماندن وی ازمیان رفته بود

دیگر، برتناسب قومی و جنسیتی درمیان کارمندان وزارت امورخارجه به عنوان اصل اصلاحات کادری و ساختاری تأکید داشت. در زمان تصدی وی در وزارت خارجه تناسب عددی کارمندان خویش را بر اساس قومیت و زبان نشر نمود و ادعای برقراری توازن در این زمینه را کرد. به سبب همین تناقض، سیاست ها و برنامه های آقای سپنتا نتوانست جامهء عمل بپوشد. اگرچه مقاله نویسان مجلهء ستوری مسؤولیت عدم پیشرفت و کندی اصلاحات در وزارت خارجه را به

دوش به اصطلاح دشمنان سوگند خورده و مرتجع اصلاحات فرا می افگندند و آن دشمنان خود ساخته را متهم می نمودند، با مقاومت های فعال و یا منفی خویش در برابر اصلاحات مقاومت می کنند. اما آنها هیچ وقت به ضعف ها و نارسایی ها خویش در این برنامه ها توجه نداشتند.

فکر می شود در وطن ما همیشه بر اثر نو آوری

برخی نا رضایتی اعضای مجلس نمایندگان از حکومت آقای کرزی را در حمایت از طرح استیضاح وزیر خارجه بی تأثیر نمی دانند، نمایندگان متوجه شده بودند که وزرا بعد ازگرفتن رأی اعتماد از مجلس، دیگر اعتنایی به آنها ندارند، وکیلان در صدد فرصتی بودند که ضرب صلاحیت های قانونی خود را بر رخ وزرا و مسؤولین اجرایی نشان بدهند

ها و مدرنیته گرایی های نسخه برداری شده که، طراحان و اجرا کنندگان آن توجهی به بومی سازی و انطباق آن با بستر های اقتصادی و فرهنگی جامعه نداشتند، هم مردم آسیب های جدی دیدند و از اصلاحات حقیقی بازماندند و هم اصلاحات سرکوب شده است، اما اصلاح آوران بعدی هیچ درسی از شکست های گذشته نمی آموزند و باز هر کسی و هر تیمی می خواهد همه چیز را خودش تجربه نماید. در وزارت خارجه نیز چنین داستانی تکرار گردید. تیم حاکم تلاش نمود برخی نورم های پیشرفتهء اروپا را عملی سازد که بیشتر از نوع وجایب و مکلفیت ها بود اما، آن امتیازات و حقوقی که در پهلوی مکلفیت ها در اروپا برای کارمندان وجود دارد، مثلاً، معاش کافی برای هزینهء زندگی یک خانوادهء حقوق بگیر، به صورت کامل فرو گذارشد. آنها می خواهند با سه هزار افغانی معاش، ازیک مامورگرسنه روزانه هشت تا نه ساعت کار استحصال نمایند، درحالی که خودشان معاش های

چند هزار دالری دریافت می دارند.

نقش جناح بندی های درون حاکمیت و مبارزهء قدرت میان این جناح ها در برکناری آقای سپنتا عامل عمدهء دیگرحساب می شود، در درون حکومت کنونی افغانستان جناح های متفاوت از نگاه نگرش های سیاسی و ایدئولوژیک و برخاستگاه های قومی و زبانی وجود دارد که میان این جناح ها مبارزهء جدی قدرت جریان دارد. هر جناحی برای حذف مهره های جناح رقیب دسیسه چینی می کند و برای توزیع غنایم حاصله از پیروزی های احتمالی برنامه ریزی دارد. هنگام رأی دهی برای استیضاح دکتر سپنتا برخی نمایندگان تحت تأثیر جناح رقیب وی در حکومت، علیه او موضع گیری نمودند. اکنون روشن گردیده است که دکتر فاروق وردک که یکی از اعضای مقتدر تیم رئیس جمهور است، در این راستا فعالیت داشته است.

خود رئیس جمهور ظاهراً از وزیر خارجه حمایت نمود و رأی اعتماد وزیر خارجه را به این دلیل که موضوع بازگرداندن آوارگان توسط ایران از وظایف اصلی وزارت خارجه نبوده و آن وزارت مسؤولیت مستقیم در این رویداد نداشته است، به دادگاه عالی ارجاع نمود و وزیر خارجه را مؤظف کرد به کار ادامه دهد. اما صاحب نظران این اقدام رئیس جمهور را یا متاثر از فشارهای خارجی می دانند و یا این که، یک بازی به منظور ارضای خاطر دکتر. آنها استدلال دارند که، بدون حمایت و تأیید نمایندگان هوادار حکومت طرح استیضاح وزیر امور خارجه با این اکثریت به تصویب نمی رسید. فاروق وردک شاید بدون مشوره و موافقت رئیس جمهور علیه دکتر سپنتا اقدامی نکرده باشد، برخی می گویند کرز ی علاقه مند برکناری داکتر سپنتا است واین پروسه را تحت نظرداشت و درست زمانی دست به حمایت سپنتا زد که دیگر زمینه برای ماندن وی ازمیان رفته بود.

شیوهء مدیریت این بحران از طرف دکترسپنتا یکی از عوامل پیروزی طرفداران سلب اعتماد و افزایش مخالفت بیشتر در برابر وی ارزیابی می شود. دکتر در دفاعیهء خویش در مجلس نمایندگان استیضاح خویش را توطئهء عمال دولت ایران خواند که باعث شد عدهء از وکلا گمان کنند این اتهام متوجه آنها شده است. مخالفین می گویند دکترسپنتا رابطهء خوبی با مقامات دولت ایران داشت و رابطهء افغانستان و ایران را الگوی همسایگی نیک یاد می کرد، وی به همین علت نتوانست بر سر خروج آوارگان موضع جدی در برابر ایران اتخاذ نماید.

برخی می گویند موضع گیری سپنتا علیه جبههء ملی، هواداران این جبهه در مجلس نمایندگان را برآن داشت، تا یک پارچه از طرح استیضاح وی حمایت نمایند، اما سخنگوی این جبهه آقای کاظمی در مصاحبه اعلان نمود، طرح استیضاح از طرف این جبهه برنامه ریزی نشده و اعضای جبهه موضع واحدی علیه یا بر له داکترسپنتا اتخاذ نکرده اند.

برخی نا رضایتی اعضای مجلس نمایندگان از حکومت آقای کرزی را در حمایت از طرح استیضاح وزیر خارجه بی تأثیر نمی دانند، نمایندگان متوجه شده بودند که وزرا بعد ازگرفتن رأی اعتماد از مجلس، دیگر اعتنایی به آنها ندارند، وکیلان در صدد فرصتی بودند که ضرب صلاحیت های قانونی خود را بر رخ وزرا و مسؤولین اجرایی نشان بدهند. پیش آمدن حادثهء بازگرداندن آوارگان در ایران و به میان آمدن احساس همدردی همگانی در برابر دشواری آن ها، این فرصت را برای نمایندگان فراهم ساخت و بدون تأخیر از آن استفاده نمودند.

از استیضاح پارلمان تا استهزای رئیس جمهور!!

ابوبکر سبزوار

بدنبال اخراج اجباری هزاران مهاجر افغان از ایران، ولسی جرگهء کشور دو وزیر کابینه را برای اسیضاح فرا خواند. محمد اکبر اکبر وزیر مهاجرین و رنگین دادفر سپنتا وزیر امور خارجه. در نتیجهء این استیضاح که روز پنجشنبه ۲۰ ثور صورت گرفت، وزیر مهاجرین سلب اعتماد شد ولی در مورد وزیر خارجه به دلیل یک رای مشکوک، فیصله به روز شنبه موکول گردید. روز شنبه فیصله شد تا مجددا رای گیری صورت گیرد. از آنجا که در این روز جمع بیشتری از وکلا در جلسه شرکت نموده بودند، سپنتا با آرای بیشتر سلب اعتماد شد.

این برای نخستین بار بود که ولسی جرگه از این حق قانونی خویش برای استیضاح استفاده کرد. اما در این استیضاح، هردو وزیر نتوانستند تا به قناعت نمایندگان بپردازند. در حالیکه شش ماه قبل دولت ایران تصمیم خود مبنی بر اخراج مهاجرین را اعلام داشته بود، نه وزارت خارجه از مجرای دیپلوماتیک در حل این مسئله کوشیده بود و نه هم وزارت مهاجرین برای بازگشت آنان تدابیر لازم اتخاذ نموده بود.

کرزی سلب اعتماد استاد اکبر وزیر مهاجرین را پذیرفت اما در مورد سپنتا، قضیه به غرض تفسیر قانونی به ستره محکمه فرستاده شد. سوالی که از جانب ریاست جمهوری در این رابطه مطرح شده اینست که چرا دوبار استیضاح صورت گرفت و چرا دوبار وکلا برای سلب اعتماد از سپنتا دو بار رای گیری کردند.

اگر قانون اساسی معیار و ملاک عمل باشد، در آنصورت نه چند بار استیضاح از وزرا خلاف قانون است و نه رای گیری در مورد سلب اعتماد. اما اینکه رئیس جمهور در دفاع از اسپنتا، این مسئلهء روشن را به ستره محکمه می فرستد، خود جای سوال دارد. مادهء نود ودوم قانون اساسی تصریح می دارد:

ولسی جرگه به پیشنهاد بیست درصد کل اعضا می تواند از هریک از وزراء استیضاح بعمل آورد.

هرگاه توضیحات ارائه شده قناعت بخش نباشد، ولسی جرگه موضوع رای عدم اعتماد را بررسی می کند.

رای عدم اعتماد از وزیر باید صریح، مستقیم، وبر اساس دلایل موجه باشد.

این رای به اکثریت آرای کل اعضای ولسی جرگه صادر می شود.

از آنجائیکه رای گیری روز پنجشنبه بخاطر وجود یک رای مشکوک مورد مناقشه قرار گرفت، پس لازم بود تا بخاطر ایجاد صراحت دراین پروسه، رای گیری مجدد صورت گیرد. این بار تعداد بیشتری از وکلا در رای گیری شرکت کردند و تصمیم وکلاء به صراحت بیشتری در رای گیری منعکس شد.

برخی استدلال می کنند که دلایل سلب صلاحیت موجه نبوده است. این مسئله که دلایل آقای سپنتا برای یک عده موجه و برای جمع دیگری غیر موجه بوده است، به برداشت های هریک از نمایندگان رابطه می گیرد.

این مناقشه که دلایل موجه بوده ویا غیر موجه، باز هم یک راه حل داشت و آنهم رای گیری بود. اینکه افراد معدودی این دلایل را موجه یافتند، حق ندارند برداشت خود را بر اکثریت بقبولانند.

این مسئله بار ها مورد بحث قرار گرفته که دادن صلاحیت تفسیر قانون اساسی به ستره محکمه ادامه درص۷

بدخشان سرزمین شهاد

یادداشت هایی از سفر آخیر


مردم کشم به سخنان استاد گوش می دهند


علمای کشم استاد را حین سفر به فیض اباد وداع می کنند


مردم ارگو از استاد استقبال می کنند


استاد بر گور سهیدان دست قرغ اکلیل گل می گذارد


استاد در حال سخنرانی بر سر گور شهیدان


مردم در بهارک از استاد استقبال می کنند


مردم در بهارک پانزدهمین سال پیروزی جهاد را با حضور استاد جشن گرفتند

به روز پنجشنبه ۶ ثور سفر از کابل به صوب بدخشان آغاز شد. در این سفر بنده و جمعی از دوستان، مولوی راسخ و مولوی نایل و آقای مرتضی حامد و... استاد را همراهی می کردند.

استقبال مردم از استاد در کشم

قرار بود دیدار استاد با مردم در این سفر مختص به بدخشان باشد و از ولسوالی کشم این ولایت آغاز شود. مردم ولسوالی کشم قرار تخمین از ساعت ۲ پس از ظهر بر دو سوی جادهء عمومی از آغاز تا انجام شهر صف کشیده و در انتظار ورود استاد بودند، ما در حوالی ساعت ۶ عصر بود که به کشم رسیدیم. دلیل تاخیر، پذیرایی مردم و مجاهدان و مسؤولان در ولایت های بغلان و قندز و تخار بود. با آن که کسی آنان را در جریان سفر استاد قرار نداده بود یکی به دیگری اطلاع داده بودند و شماری از مسؤولان و بزرگان در خارج از شهرها استاد را استقبال کردند، و این امر باعث شد که ما به وقت معین به ولسوالی کشم بدخشان نرسیم.

مردم کشم، جوانان و مسؤولان و علما و مجاهدان به گرمی با سردادن شعارهای زنده باد استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت و خواندن ترانه و سرود از استاد پذیرایی کردند.

در پایان راه پیمایی همایشی برپا شد و جمعی غفیر در آن حاضر شدند. آقای عبدالسلام پیمان این همایش را گردانندگی کرد.

مردم به دلیل آوازه های گونه گون و تبلیغات چند پهلویی که از سوی مخالفان و موافقان مجاهدین در رابطه با اوضاع و تحولات سیاسی کشور صورت گرفته بود سخت علاقه مند بودند که از رهبر جهاد و مقاومت بشنوند.

از داغ ترین مسائل روز در بدخشان در این روزها دو چیز بود، یکی تشکیل جبههء ملی به رهبری استاد ربانی و دیگری کشف گورستان جمعی در شهر فیض آباد، گوری که در آن آثاری از بیش از چهار صد نفر به دست آمده است که آنان غالباً در سال های نخست حاکمیت رژیم کمونیستی به ویژه توسط عامل کشتار حفیظ الله امین، در بدخشان منصور هاشمی سهید شده بودند.

برخی از حلقات معلول الحال در داخل حکومت آقای کرزی سخت تلاش کرده بودند برای کاستن از اعتبار جبههء ملی و پنهان کردن بحران ها و ضعف های اساسی در درون حکومت از این حادثه بهره برداری کنند. این حلقات به گونه یی گسترده خواستند در سطح کشور به ویژه در بدخشان یکی از مهم ترین محورهای قدرت جمعیت ـ به باور برخی، مانع اصلی بر سر راه بر آورده شدن اهداف این حلقات ـ به سود اهداف غیر ملی خویش بهره برداری کنند. این حلقات در این راستا در سطح کشور تبلیغاتی گسترده را به راه انداختند و به بدخشان گروه هایی را فرستادند.. برخی از آنان برای هضم کردن امکانات این برنامه دست به تحرکاتی زدند و عده یی انگشت شمار را اجیر کردند هرچند آنان در فیض آباد و ولسوالی جرم به واکنش های شدید مردمی مواجه شدند، ولی به دلیل دور افتادگی بدخشان و ضعف اطلاع رسانی، سفر استاد در روشن کردن زوایایی از مسائل روز افغانستان مفید واقع شد.

در همایش کشم درمیان عصر و شام روز، استاد سخنرانی کردند و در حالی که مردم به دقت به سخنان ایشان گوش فرا داده بودند استاد دربارهء پانزدهمین سالروز پیروزی جهاد و نقش مجاهدین در دفاع از آزادی و استقلال افغانستان و ارزش های شهیدان به ویژه شهیدان دشت قرغ فیض آباد بدخشان، شهیدان دیکتاتوری پولیتاریای رژیم کمونیستی سخنرانی و اهداف و آرمان های آنان را توضیح دادند. ایشان گفتند: عدالت و برادری و برابری و آزادی و استقلال طلبی و آبادی و سرافرازی مردم افغانستان شماری از اهداف مجاهدان و شهیدان جهاد را می سازد و تشکیل جبههء ملی درست در شرایط کنونی در جهت تحقق بخشیدن به چنین اهدافی صورت پذیرفته است. کما این به تطبیق احکام شریعت اسلامی و هویت اسلامی افغانستان در مرامنامهء جبهه تأکید شده است.

ایشان توضیح دادند که در شرایط کنونی ایجاب می کند که ما از واقعیت زمان چشم نپوشیم و فریب و توطئهء دشمنان را که می خواهند ما را به مسائل ثانوی و حاشیه یی مشغول کنند نخوریم.

بحش اول

پس از استاد هر یک مولوی عبدالله عضو شورای ولایتی و مولوی عبدالواحد مدرس و خطیب مدرسهء ولسوالی کشم و رئیس شورای علمای این ولسوالی سخنرانی کردند.

مولوی عبدالله استاد را به عنوان رهبر جهاد و مقاومت و نمایندهء مردم بدخشان در پارلمان مورد خطاب قرار داد و خواستار توجهء جدی ایشان به امور ولایت بدخشان شد و از کم توجهی دولت به این ولایت انتقاد کرد.

مولوی عبدالواحد به نمایندگی از علما و مردم کشم حمایتش را از سیاست های استاد اعلان کرد و گفت: هرچند ما به تصمیمات استاد کاملاً اعتماد داریم و در هر شرایطی از ایشان حمایت می کنیم، با آن هم بعضی از شبهاتی دربارهء جبههء ملی در اثر تبلیغات سوء برای مان دست داده بود پس از بیانات جناب استاد کاملاً رفع شد، بناءً ما مجدداً حمایت خویش را از تصمیم جناب استاد در جبههء ملی که اخیراً تشکیل شده است اعلاء می داریم.

پذیرایی از استاد در ولسوالی ارگو

استاد پنجشنبه شب را در ولسوالی کشم ماندند و با طیف های مختلف دیدار و گفتگو کردند، فردای آن جمعه به سوی ولسوالی ارگو رفتیم، مردم، پیر و جوان در مسیر راه از استاد با نثار دسته های گل پذیرایی کردند. در حوالی برگزاری نماز جمعه به شهرک وحدت مرکز ولسوالی ارگو رسیدیم، هزاران نفر، مسؤولان و جوانان و مجاهدان واهالی روستاهای دور و بر شهرک وحدت به پذیرایی استاد صف کشیده بودند، با سر دادن شعارهای زنده باد استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت و امام نهضت اسلامی افغانستان از استاد ربانی پذیرایی کر[illegible] سپس استاد وارد مسجد جامع شهرک وحدت شد و پس از ایراد خطبهء جمعه نماز جمعه به امامت ایشان گزارده شد. استاد در خطبهء جمعه مسائل مهم امروز جامعهء افغانستان را بیان کرد و مردم را به وحدت و یکپارچگی فرا خواند.

پس از ادای نماز جمعه و صرف طعام چاشت که از سوی آقای مصدق ولسوال ارگو در کلپ شهرداری شهرک وحدت آماده شده بود، راهی فیض آباد شدیم. بیش از دو هزار نفر از مردم فیض آباد به شمول والی و معاون وی و قوماندان امنیه و کارمندان بلند پایهء ولایت، چندین کیلومتر دور از شهر در کوتل ریزکان از استاد استقبال کردند.

گورستان شهداء

استاد پس از یک توقف کوتاه در دفتر کارش در شهر فیض آباد راهی گورستان جمعی شهدا شدند. گورستانی که در آن جسد بیش از چهارصد نفر از زن و مرد و کودک و جوان و پیر شناسایی شده است. این گورستان جمعی که اخیراً کشف شده است، یکی از گورستان های جمعی است که توسط جلادان رژیم کمونیستی ترکی و امین در سراسر افغانستان ایجاد شده است. مردم بدخشان این گورستان را محصول دست مزدورانی مانند منصور هاشمی وزیر آب و برق ترکی و امین و دستهء جنایتکار او می دانند. در سال ۱۳۸۵ پس از رستاخیز جهاد توسط نیروهای مجاهد جمعیت اسلامی افغانستان در بدخشان ستادی به عنوان کمیتهء بحران از سوی رژیم کمونیستی به رهبری عبدالله امین برادر حفیظ الله امین و حسن گل وفاکارگر خوستی والی قندز و ...

و گل سعید وفادار از خوست والی تخار و محمد خان پیگیرکاکر از قندهار و وکیل نوروز منگل از ناقلان تالقان با دوهزار ملیشه (وطن پرست!) و وکیل شیر محمد با یک هزار نفر و پاس ننگ یوسفزی با یک هزار نفر هر دو از ناقلان دشت ارچی قندز و برید جنرال ارکان حرب عبدالغفور رایض از ناقلان دشت ارچی والی و قوماندان غند۲۴ ولایت بدخشان و خیلانی از خوست آمر سیاسی غند ۲۴ و خلیل فرهند از پروان مستوفی بدخشان. د رکنار این جلادان، دسته یی از مزدوران وطنی بدخشان هم شامل بودند که در رأس آنان منصور هاشمی قرار داشت که دارای سمت معاونت در این کمیتهٔ بحران بود، و کسانی مانند عبدالبصیر همت منشی کمیتهٔ ولایتی حزب دموکراتیک خلق و عبدالرشید سارنوال ولایت و... گروه وی به شمار می رفتند.

قربانیان گورستان جمعی دشت قرغ توسط این جلادان حرفه یی به شهادت رسیده اند. لباس های عادی و پای پوش های پلاستیکی و موزه های بلند و کشف های پلاستیکی آنان نشان می دهد که آنان نه از طبقات مرفه و به اصطلاح کمونیستان فئودال که از طبقات زحمتکشان و دهقانان مبارز و آزادیخواه بوده اند و غالباً از سنگرهای داغ مجاهدین جمعیت گرفتار و به ین جا انتقال داده شده بودند.

استاد بر سر گور این شهیدان سخنرانی کردند و آن را نمادی از صریح ترین موارد نقض حقوق بشری و مثالی از وحشی گری کمونیستان در افغانستان خواندند ولی تأکید کردند هرگز نباید آرمان ها و اهداف متعالی این شهیدان را فراموش کنیم. باید همه بدانیم که آرمان ها و اهداف این شهیدان آزادی و استقلال افغانستان و آبادی و ثبات و استقرار و عدالت اجتماعی و مبارزه برضد همه بی عدالتی ها و ستم ها بوده است.

استاد گفت: باید توجه داشته باشید که اگر دیروز کسانی مانند منصور هاشمی جوانان را به شهادت می رسانید و برای آقایانش خوش خدمتی می کرد امروز کسانی دیگر در عین همان نقش کار می کنند و در جهت برده کردن شما برای منافع خودشان تلاش می ورزند. اینان در مزدوری از آنان هیچ کمی ندارند. مزدور، مزدور است و بزرکترین مشکل جامعهٔ ما از همین افراد مزدور نشات می کند و مزدوران کسانی هستند که وجدان ندارند و جز به خشنودی آقا به چیزی دیگر نمی اندیشند.

بنده راقم این سطور نیز پس از استاد سخنانی دربارهٔ اوضاع زمان حاکمیت رژیم کمونیستی و هدف های متعالی شهیدان گفتم و تأکید کردم که با توجه به آرمان های شهیدان باید بدانیم که اوضاع دگرگون شده و زمینه ها بسیار تغییر کرده است، ما نباید به گذشته ها چنان بچسپیم که از حال و آینده غافل شویم، و نباید شرایط را عوضی بگیریم.

پانزدهمین سالروز پیروزی جهاد

استاد در روز هشتم ثور پانزدهمین سالروز پیروزی جهاد و انقلاب اسلامی نیز به مردم سخنرانی کردند، نقش پیروزی جهاد را در صلح و امنیت جهانی و تحولات بزرگ در سطح منطقه و جهان توضیح دادند، آزادی بسیاری از ملت های در بند را در آسیا و اروپای شرقی و فرو ریختن دیوار برلین و... را از دستآوردهای بین المللی جهاد مردم افغانستان خواندند و افزودند: اما مردم مسلمان افغانستان به سبب مداخلات خارجی کمتر توانستند از ثمرات این پیروزی در داخل کشورشان بهره مند شوند.

ایشان همچنان به اهداف و آرمان های شهدای جهاد اشارت کردند، تأمین ثبات و استقرار و آبادی و خود کفایی در عرصه های گوناگون زندگی را از آرمان های شهدا خواندند، تشکیل جبههء ملی را در شرایط کنونی در راستای آرمان های این شهیدان عزیز تلقی کردند تا جلو جهاد ستیزی و مجاهد رانی از عرصه های مدیریت کشور گرفته شود.

بنده هم در این مراسم سخنرانی کردم و اهداف و چشم اندازهای انسانی جهاد را توضیح دادم که همه در جهت حفظ و صیانت حقوق بشری و تأمین مصالح جامعهٔ انسانی است و بر ضرورت تداوم روند جهادی در حفظ و حمایت این ارزش ها تأکید کردم و افزودم که عدالت و برادری و برابری و وحدت و همدلی و ایثار و گذشت و بخشش روح تعالیم اسلامی را همان ارزش های جهاد می سازد.

ت، و زیبایی و محرومیت

استاد ربانی به ولایت بدخشان

واقف حکیمی

جشن پیروزی جهاد در فیض اباد بسیار با شکوه برگزار شد، گروه های پلیس ملی و دانش آموزان دختر و پسر شعارهای جهادی و فوتوهای استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت و قهرمان ملی کشور و رئیس جمهور و شماری از شهیدان را حمل می کردند.

روز نهم ثور بـه ولسوالی بهارستان (بهارک) رفتیم. آنان جهت اشتراک استاد ربانی در این جشن، برگزاری آن را به روز نهم ثور واگذار کردند. جشن پیروزی جهاد در بهارک نیز با بسیار شکوه برگزار شد، هزاران مرد و زن در آن اشتراک ورزیده بودند، قطعات نیروهای سرحدی و دانش آموزان معارف بسیار منظم و آراسته بودند.

استاد در این همایش سخنرانی کردند و به دستآوردهای جهاد در پهلوهای مختلف زندگی از معارف و مطبوعات گرفته تا خدمات اجتماعی اشارت کردند و از کارهای شهیدان عزیز قهرمان ملی و آرین پور و سید نجم الدین واثق یاد کردند.

مراسم بهارک پایان نیافته بود که ما به سوی ولسوالی جرم حرکت کردیم چون مردم در آن جا از دیر وقت بود که ورود استاد را انتظار می کشیدند.

حوالی ساعت ۱۲ ظهر بود که به ولسوالی جرم رسیدیم، هزاران نفر در بیرون از شهر جرم تا فاصلهٔ چندین کیلومتر به پذیرایی استاد صف کشیده بودند. همه شعار می دادند: زنده باد استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت، زنده باد یاد قهرمان ملی احمد شاه مسعود و شعارهایی در تأیید جهاد و شعارهایی در مذمت کمونیستان و قاتلان شهیدان جهاد و مقاومت سر می دادند.

در جرم همایش با شکوه ویژه برگزار شد. با آن که ممانعت هایی از سوی برخی از افراد برای جمع شدن مردم صورت گرفته بود به گونهٔ بی سابقه قرار گفته های مردم در حدود هفت هشت هزار نفر جمع شده بودند، حضور خانم ها بسیار قابل ملاحظه بود.

دیدار استاد با وزیر اقتصاد و توسعهٔ شهری آلمان در فیض آباد

روز دهم ثور خانم .... وزیر اقتصاد و توسعهٔ شهری آلمان در رأس یک هیأت بزرگ از دولت و پارلمان آلمان از فیض آباد دیدار کرد. هدف آمدن وزیر اقتصاد آلمان به بدخشان دیدار با نیروهای آلمانی مستقر در فیض آباد و آگاهی از وضعیت بدخشان خوانده شد. هیأت آلمانی چاشت این روز مهمان والی بدخشان آقای منشی عبدالمجید بودند. وزیر اقتصاد آلمان خواسته بود که با استاد هم در این نشست دیداری داشته باشد.

استاد به وزیر آلمان از وضعیت بدخشان گفت و نقش توجه به بازسازی و نوسازی آن را در امنیت روشن کرد. وزیر آلمانی توضیحاتی از استاد دربارهٔ سیاست های جبههٔ ملی خواست. استاد اهداف و خواسته های جبهه و نقش آن را در تأمین امنیت و ضرورت تشکیل آن را در شرایط کنونی توضیح داد.

دیدار رئیس جمهور از گورستان شهیدان

روز سیزدهم ثور رئیس جمهور آقای کرزی جهت دیدار از گورستان جمعی شهیدان دشت قرغ فیض آباد به بدخشان آمد.

از چند روز پیش نیروهای امنیتی ویژهٔ رئیس جمهور وارد شهر فیض آباد شده بودند و اوضاع امنیتی محل گورستان را تحت نظر داشتند.

شماری محدود از افراد جهت پذیرایی از رئیس جمهور به محل گورستان شهدا خواسته شده بودند. ما ده پانزده نفر در معیت استاد به محل رفتیم. همه منتظر آمدن رئیس جمهور بودیم. پس از ساعت ده صبح بود که هواپیمای رئیس جمهور در میدان هوایی به زمین نشست. کسانی مانند آقایان داوود زی رئیس دفتر رئیس جمهور و زلمی رسول رئیس شورای امنیت ملی و استاد شهرانی وزیر حج و اوقاف و سید محمد امین طارق وزیر مشاور و شماری از نمایندگان بدخشان در پارلمان رئیس جمهور را در این سفر همراهی می کردند.

رئیس جمهور درمیان ترتیبات شدید امنیتی وارد محل شد و از سوی استاد ربانی و مقامات ولایت بدخشان پذیرایی گردید. نخست بر سر گورستان شهدا هدایت و پس از دعا وارد محفل شد.

در آغاز والی بدخشان منشی عبدالمجید پس از خوش آمدید گفتن به رئیس جمهور، وضعیت اقتصادی و اجتماعی بدخشان را به گونهٔ فشرده بیان کرد و گفت: بدخشان پنج منبع بسیار مهم برای رشد و توسعه و تأمین موارد زندگی دارد. منابع آب و منابع معدنی و مراتع و چراگاه ها و زمینهٔ توریسم و ظرفیت های باغ داری. اگر این منابع به گونهٔ درست مورد بهره برداری قرار گیرد در زندگی مردم بدخشان تحولی بزرگ به وجود می آید.

محمد عظیم حنیف رئیس شورای ولایتی بدخشان دربارهٔ اوضاع و نیازهای بدخشان برای رئیس جمهور به نمایندگی از مردم بدخشان صحبت کرد و در رابطه به موضوع گورستان جمعی شهیدان و سیاست های دولت آقای کرزی مسائلی را مطرح کرد. او گفت: یکی از موارد همنوایی با شهیدان و دنبال کردن اهداف آنان این است که به روند جهاد ستیزی و مجاهد زدایی از پست های دولتی توقف داده شود و کمونیستان شناخته شده از پست های بلند دولتی برکنار شوند. او همچنان در اشارت به مشکلات بدخشان از تعطیل شدن بیش از ۱۶۰ باب مکتب و بی سرنوشت شدن چندین هزار شاگرد و معلم سخن گفت. آقای حنیف نیز به قلت زمین و زمینهٔ بی سرپناهی و موارد زندگی در بدخشان اشارت کرد و به رئیس جمهور پیشنهاد نمود که برای بخشی از مردم بدخشان در جاهای دیگر جای داده شود و مشکل بی سرپناهی مهاجران بدخشان در تخار و قندز حل گردد.

او همچنان به نمایندگی از مردم بدخشان به رئیس جمهور پیشنهاد کرد که بر سر گور شهیدان دشت قرغ یک منار شهدا و یک مجمع فرهنگی متشکل از مسجد و کتابخانه ... ساخته شود.

رئیس جمهور سخنانش را با درخواست اجازه از استاد ربانی آغاز کرد و گفت: از روزی که خبر کشف این گور شهیدان را شنیده است غمگین است و صدای شلیک گلوله های ظالمان و صدای مظلومانهٔ آن شهیدان در گوشش طنین انداز است.

رئیس جمهور گفت: در هر کوه و دشت افغانستان مانند این گورستان وجود دارد که در آن فرزندان این سرزمین را ظالمان به تیر بسته اند. شهیدان دشت قرغ نمایندهٔ همهٔ شهیدان افغانستان هستند. ظالمی بیگانه و کمونیست به افغانستان آمد و همکارانی در داخل پیدا کرد و پس از رفتن یک ظالم یک ظالمی دیگر آمد. شاید مراد رئیس جمهور از ظالمی دیگر طالبان بوده است. او گفت: سپس جهان متوجه شد و به افغانستان آمد و ما آزاد شدیم و مستقل شدیم. راهی که ما خاطرهٔ شهیدان مان را زنده نگه داریم و در آسودگی و آرامش فرزندان آنان تلاش کنیم این است که در وحدت و اتفاق بکوشیم، و همه برای آبادی وطن کار کنیم. آمدن من به این جا برای زنده کردن خاطرات شهداست تا از آن پند بگیریم. آقای کرزی گفت: ما باید عدالتخواهی کنیم و انتقام جویی نکنیم، و برای کسانی که می خواهند گذشتهٔ خودرا فراموش کنند موقع بدهیم که به این خاک خدمت کنند.

رئیس جمهور در بخشی از سخنانش گفت: علاقهٔ من به بدخشان دو عامل دارد: یک باستانی بودن بدخشان. دو، وقتی در سال ۲۰۰۱ به دیدار جناب استاد ربانی و شهید مسعود به این جا آمدم صدای دختری را به نمایندگی از دختران افغانستان شنیدم، او در دانشکدهٔ طب فیض آباد محصل بود، او گفت: ما خوشحال هستیم که در دانشکدهٔ طب فیض آباد درس می خوانیم اما متأسف هستیم که دیگر دختران افغانستان نمی توانند درس بخوانند.

آقای کرزی وعده داد که دانشکدهٔ طب بدخشان را دوباره فعال می کند و به حال مهاجران بدخشان در قندز و تخار توجه می کند و به معارف بدخشان و بازگشایی مکاتب تعطیل شده به زودی اقدام می کند. رئیس جمهور همچنان وعده داد که برای ساختن مجمع شهدای فیض آباد پنج میلیون افغانی می پردازد.

محفل به لحظات پایان نزدیک شده بود که شماری از همراهان رئیس جمهور تازه رسیدند، ایشان شماری از نمایندگان بدخشان در پارلمان بودند، معلوم بود که بسیار به عجله خود را به محل رسانیده بودند. خانم فوزیه کوفی پیراهنش از فزونی عرق خیس شده و چهره اش از شدت گرمی آفتاب و شتاب در راه رفتن کاملاً گلابی شده بود و از دور دیدم که از سر و سیمای آقای اورنگ ژاله ژاله عرق می ریخت. برخی به وسیلهٔ موتر آمده بودند و برخی مجال آن را نیافته بودند تا رئیس جمهور را در هلی کوپتر نیروهای پی آر تی از آن سوی دریای کوکچه به دشت قرغ همراهی کنند و ناگزیر راه طولانی تر "کیمه" (وسیله یی است ابتدایی شبیه تیلی کابن) و جادهٔ میدان هوایی ـ دشت قرغ را پیمودند.

این مهمانان عرق آلود تازه رسیده دمی نگرفته بودند که محفل به پایان رسید و بانگ رحیل نواخته شد و رخت سفر بربسته. رئیس جمهور و مهمانان همراه ایشان نتوانستند حتی برای صرف غذای چاشت در فیض آباد بمانند و فقط در زیر آفتاب گرم دشت قرغ توانستند از آب هایی معدنی که از کابل همراه با خود آورده بودند بنوشند.

یکی از لطایف این همایش حضور یکی دو نفر از ولسوالی جرم در آن بود. اینان شب هنگام از راه خاش ـ فیض آباد که نسبتاً کوتاه تر و دشوار تر از راه جرم ـ بهارک ـ فیض آباد است برای انجام مهمتی در این محفل به فیض آباد آورده شده بودند. اینان از پیش توسط افراد نیروهای امنیتی ویژه به محل همایش آورده شدند تا وظیفه یی از پیش تعیین شده را اجرا کنند: شعاری بدهند و حرفی بزنند تا نان خود و نان رئیس خود را که هر دو از یک منبع به دست می آورند حلال کنند! یکی از اینان را آقای زلمی [illegible] مجددی رئیس پیسین محافظان رئیس جمهور که رئیس جمهور را در این سفر همراهی می کرد به بیرون از خیمه برد و دوباره باز گردانید و بعد روی به او و اشارت کرد که چیزی بگوید و گفت: او را بگذارید وارث شهید است! خانم فوزیه کوفی آواز بر آورد: در این جا همه وارث شهیدانند. راستی بسیاری از کسانی که در آن محفل جمع شده بودند به گونه یی به شهدای عزیز پیوند داشتند. برخی می خواستند از این محفل عزاداری و یاد شهیدان که بر آن معنویت و سکوت و روحانیت طاری بود بهره یی سیاسی بردارند و به رئیس جمهور نشان بدهند که مردم بدخشان را در جهت سیاست های ایشان بسیج کرده اند. آن آدم آورده شده برضد قاتلان شهیدان شعاری داد و پیامی از رئیس جمهور به مردم ولسوالی جرم درخواست، کسی او را در شعارش همراهی نکرد؛ چون او را درست می شناسند که پس از شهادت پدر با خلقیان و پرچمیان همکار بوده است و روزی در جهت آرمان های شهیدان قدمش را در راه جهاد گرد آلود نکرده است، این روشن است که به آذان چنین ملایی مردم نماز نکنند. اما تا جایی که من می دانم آن پیام رئیس جمهور به مردم جرم نیز تا هنوز نا گفته مانده است؛ چون چنین کسانی به یقین درمیان مردم یارای سخن گفتن را ندارند، چه برسد به پیام گفتن، او بل تا کنون زیربار ملامت است که چرا بی توکیل مردم به وکالت از ایشان در پیش رئیس جمهور سخن گفته است!

من اکنون آن پیام نا رسانیدهٔ رئیس جمهور را به مردم عزیز و شهید پرور جرم می رسانم، رئیس جمهور گفته بود که من آرمان های شهیدان شان را بر آورده می سازم و قاتلان آنان را مجازات می کنم.

برخی از خانم های حاضر در آن محفل قصد داشتند برای رئیس جمهور بگویند که یکی از نمادهای همسویی با شهیدان این است که کمونیستان شناخته را از پست های بلند دولتی سبکدوش کند، اما بنده راقم این سطور شخصاً التماس کردم که این کار آیین میهمانداری را نشاید، میهمان را عزیز باید داشت و موجب آزارش نباید شد که پیامبر علیه السلام گفته است: "هرکس به خدا و روز بازپسین ایمان دارد میهمانش را گرامی دارد".


استاد با استقبال گرم مردم جرم رو به رو شد


هزاران نفر در جرم به استقبال استاد آمده بودند


گوشه یی از اجتماع مردم جرم در استقبال استاد


استاد حین سخنرانی به مردم جرم


گفتند چنین اجتماعی بزرگ در تاریخ جرم بی نظیر بوده است


استاد در ملاقات با وزیر اقتصاد و انکشاف شهری آلمان در فیض آباد

شعری از پرتور نادری که در آغاز سیمینار بزرگداشت از هشتصدمین سالروز تولد مولانا به تاریخ ۲۳ ثور قرائت شد

لحظه های آبی اشراق

بانگ نایی می رسد در گوش من
حیرت آیینه دارد هوش من
هوش من با آیینه مدهوش عشق
من ندانم خود چه باشد هوش عشق
عشق من از بانگ نی لبریز سوز
می شگوفد در شبم گلهای روز
بانگ نی ما را به بالا میکشد
موج ما را سوی دریا میکشد
بانگ نی فریاد جان آدمیست
های و هویی از روان آدمیست
بانگ نی با خون من آمیخته
آتشی اندر روانم ریخته
بانگ نی دلتنگی جان من است
قصه های تلخ زندان من است
نینواز جان آدم مولوی
آفتابی در بغل از مثنوی
در حقیقت مثنوی معراج عشق
دفتر اندیشه را دیباج عشق
تادکان مثنوی بگشوده شد
بانگ نی از رنج تن آسوده شد
ای کلامت« نردبان آسمان»
آسمانی برتر از هر کهکشان
تا حقیقت را نشانم داده ای
نردبان آسمانم داده ای
من زهش بیگانه و با دل قرین
آسمان در زیر پایم چون زمین
آسمان را من زمین دلم کنم
من ز برگی صد چمن حال کنم

آفتاب از ذره می آید پدید
ای خوش آن ذره که برجایی رسید
ذره را خورشید روشن در نهاد
ذره و خورشید با هم همنژاد
ذره و خورشید همدستان عشق
مانده هر دو در خط فرمان عشق
عشق هر جایی که فرمان میدهد
تیره گی گم میشود جان میدهد
عشق را با بانگ نی پیوند راز
عشق را با بانگ نی روی نیاز
نی چراغ خلوت مرموز عشق
سینهٔ من پر ز ساز و سوز عشق
بانگ نی آیینهٔ پرواز عشق
پرده هایش پرده های ساز عشق
بانگ نی از عشق بال و پر کشید
زنده گی را در خط دیگر کشید
بانگ نی از کوی یزدان میرسد
از دیار سبز ایمان میرسد
تاشبان معرفت نی میزند
رمهٔ هوش مرا هی میزنند
رمهٔ هوشم پریشان شد به دشت
کار هوشم از پریشانی گذشت
جان من از بانگ نی بیدار شد
گر چه منصور خرد بردار شد

نی حکایت از نیستان میکند
آتشی در جان فروزان میکند
روزنی سوی خدا بگشوده نی
بین که ره را تا کجا بگشوده نی
هرکجا یی نی نوا انگیخته
جان و دل را تا خدا انگیخته
تا به گوش من حدیث نی نشست
کشتی اندیشه را توفان شکست
تا که با دریا چنین همریشه ام
بی نیاز از کشتی اندیشه ام
نی چراغ برج ایمان من است
قصه گوی سوز هجران من است
نی سرود آسمانهای بلند
شهپر سازش نمی آید به بند
نی حدیث ظلمت غم میکند
قصه های کوچ آد می کند
نی خبر از جمله گی اسرار حق
نی طراوتخانهٔ گلزار حق
تا که با نی آشنا و همدمم
سور بی مانند باشد ماتمم
سینهٔ من هیچ بی ماتم مباد
سوز و ساز عشق از من کم مباد
میزنم آتشبه جنگلزار تن
تا رها گردم من از ادبار تن

نی ز حبس تن بنالد زار زار
تا که باغ جهان نماند بی بهار
تا سخن من از نی و دریا زنم
بر سر دنیا و عقبا پا زنم
نی به ساز حق سرود جان عشق
نی حریف جلوه های آن عشق
من ز نی دیوانهٔ هشیار جان
بیخبر از خویش اما یار جان
نی چراغ معبد اشراق من
آشنا با انفس و آفاق من
تا که نی را قصه می آید به لب
میشود دریای جان دریای شب
بانگ نی پرواز بی پایان دل
رقص آتش های آتشدان دل
بانگ نی سیمرغ جان را بال و پر
عشق را تا قاف هستی راهبر
بانگ نی سر خدا را قصه گو
جام جان را بادهٔ صد های وهو
من ز نی روی خدا را دیده ام
وسعت بی انتها را دیده ام
عشق را از بانگ نی ساز و سرود
بانگ نی بر عشق میخواند درود
نی ز غربتخانهٔ تن در خروش
پنبهٔ غفلت برون آور ز گوش
نی ز نیزار خدا آمد فرود
تو زبان نی نمیدانی چه سود

سیری در قلمرو ادب حماسی

به ادامه بحث پیرامون (نقش دعا درپیروزی جهاد ومقاومت)

عبدالقیوم ملکزاد

بخش هشتم

اصرار دردعا

عملی که خداوند از آن خوشنود می شود

دعا، کوفتن در رحمت خداست. "نیایش نشان داده است که انسان هرچه که بخواهد می خواهد می گیرد وهر دری را که بزند، به رویش کشوده می شود. [لذا] دعا باید به صورت تهاجم انجام شود."

مومن نباید از عبادت و نیایش کردن احساس نا امیدی بکند. باور به عدم خلاف وعده از سوی خدا، برخاسته از ضمایر مؤمنان است و آن هم مظهر قوت ایمان و یقین کامل که خدا مستجاب شدن آن را تضمین فرموده است. پس نباید به خود خستگی را راه داد، آن گونه که خدای از اجابت دعا خسته نمی شود.

از آنجایی که دعا یکی از محبوب ترین اعمال در روی زمین وانمود شده، فلهذا از بندگانی که با اصرار او را فرامی خوانند، خوشنود می شود.

الکسیس کارل می گوید:

"دعا باید همچون سخن گفتن طفلی باشد با پدرش و هر چه مصرانه تر دعا شود، به اجابت نزدیکتر است."

مالک نفع وضرر تنها خدا ست

چو بیدل آنکه غبار راه نیاز تو شد
به چشم هردو جهان ناز توتیا گردید

دعا جز بر خدا کردن روا نیست. مو من در هیچ صورتی نباید به جز ذات کارساز و بنده نواز، کس دیگری را برای خود، منجأ و ملجأ، یعنی پناهگاه و نجات بخش قرار دهد و خداوند مان ذات بی نیازی است که سزاوارتر از او، برای کمک خواستن به وسیلهء مخلوقات هنگام تهاجم مشکلات و سختی ها، نمی باشد.

روا نبود به جز پیش باری
بر افرازی دو دست از بهر یاری

آنانی که هنگام پیش شدن مشکلات، به اشخاص و مخلوقاتی (ولو در هر سطح و مقام و درجه ای باشند) رجوع می کنند، و از آنها طلب کمک و یاری می نمایند، در حقیقت، اساس اعتقاد آنها نسبت به خدا، متزلزل و لرزان است.

حقیقت این مسأله را در روشنی رهنمایی آیه ۳۸ سوره زمر بهتر می توانیم درک نماییم.

خداوند دراین آیه می فرماید:

"و اگر از آنها بپرسی : چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده است؟ حتماً می گویند: خدا! بگو: آیا هیچ دربارهٔ معبوداتی که غیر از خدا می خواهند، اندیشه می کنید که اگر خدا زیانی برای من بخواهد، آیا آنها می توانند گزند او را بر طرف سازند؟! و یا اگر رحمتی برای من بخواهد، آیا آنها می توانند جلو رحمت او را بگیرند ؟ بگو: خدا مرا کافی است و همهٔ متوکلان تنها بر او توکل می کنند!"

زمانی که بنده به جای خواندن خدا و طلب استعانت و یاری از او، به سوی بندگان و مخلوقات دست نیاز و نیایش بلند می کنند و جملاتی چون یا پیر و یا ولی و یا علی و...، بر زبان می رانند و یا بر سر مقابر و زیارتگاه ها رفته و از آنها برای برآورده شدن حاجات شان کمک و استعانت می طلبند، آنگاه از سوی خدا ندا می رسد:

من از همهٔ شریکان بی نیازم. هرکسی در عملی برایم شریک قرار دهد ، من تماماً آن عمل را به شریک خود تفویض می کنم. من از همهٔ شرکا بی نیاز ترم."

بلی این گونه دعاها، مورد قبول خدا واقع نمی شود؛ بلکه آن را به کسانی که از سوی نیایشگر برای دعا و طلب کمک و یاری خواسته شده اند، اعطا می دارد. در حالی که این ها همه جزء بندگان خدا به شمار می آیند و از مقربان خدا محسوب می شوند، ولی قادر به بر آوردن نیاز های انسان های دیگر نیستند. زیرا! این کار به معنی عمل کردن است برخلاف دستوری که از جانب خداوند ارشاد گردیده است. قرآن (چنانچه درمباحث گذشته اشاره داشتیم) می فرماید:

"مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم."

توجه با ید داشت که داشتن محبت و عشق نسبت به بندگان بزرگ و عالی مقام، ولو تا سطح پیامبران باشد (علیهم السلام) و یا ائمه و اولیا و آل بیت و اصحاب — که ضروری وحتمی است – چیز دیگری است . اما آنها را در مقام برآورندگان حاجات قرار دادن، چیز دیگر!

در حالی که ما به آنها چنان محبت و احترام داریم که حاضر هستیم در راه دوستی و نزدیکی با آنها ، جان های خود را از دست بدهیم و به مصداق گفتهٔ شاعر:

گفتی که: « بباز جان، چو مردان !»
عاشق چه کند، که جان نبازد!

ولی توجه باید داشت که این حب و عشق ورزی به آنها به معنی پرستش نیست!

چنانچه در آیهٔ یازدهم سورهٔ مبارکهٔ ابراهیم ، به صراحت بیان گردیده است:

"پیامبران شان به آنها (کافران) گفتند : مسلماً ما تنها بشری همانند شما هستیم، ولی خدا بر هر کس از بندگانش بخواهد منت می گذارد، ما نمی توانیم معجزه یی جز به فرمان خدا بیاوریم."

کسانی که پیامبران و بزرگان دین و یا ائمه را برای اجابت دعا فرا می خوانند، و به عوض خدای یگانه و آفرینندهٔ زمین و آسمان، به آنها عذر و تضرع و زاری می کنند، مرتکب اشتباهات بزرگی شده اند.

آیا برای آنها کافی نیست که پروردگار شان پناه و فریادرس شان باشد؟ ذاتی که فقط او برای بندگانش کافی است و به عبارت دیگر: دعاکردن به غیر از خداوند توانا– که قادر مطلق است، به رسمیت شناختن قادری دیگر است که حکم شریک آوردن به مالک حقیقی و ذاتی دارای قدرت همه جانبه را می رساند.

در حدیثی آمده است: "کسی که به مخلوقات اعتصام ورزد، خداوند دعای او را مستجاب نمی کند ، بلکه تأثیراسباب را نیز از بین می برد."

مؤثر حقیقی غیر از خدای یگانه و مهربان ، کسی دیگری نیست. فقط او حافظ و نگهبان بندگان می باشد. لذا رمز آلوده نشدن انسان خداشناس به معاصی و حرکت در مسیر بندگی خدا این است که: همواره خدا را ناظر بر تمام کارهای خود بداند. قرآن کریم درآیهٔ چهاردهم سورهٔ مبارکهٔ رعد می فرماید:

"دعوت حق از آن خداوند است" یعنی : هرگاه او را بخوانیم می شنود و اجابت می کند، هم آگاهی از دعای بندگان دارد و هم قدرت و توانایی کامل برای انجام و فراهم آوردن خواسته های آنها ...!

مشرکان، کسانی را که غیر از خدا می خوانند، (و برای انجام خواسته های شان به آنها پناه می برند، هرگز) به دعوت آنان پاسخ نمی گویند؛ زیرا بت ها اجسام بی جانی هستند که نه شعور دارند و نه اراده و نه هم مالک نفع و ضرر برای خود هستند.

در اینجا – طوری که در تفسیر شریف نمونه اشاره شده – مثل جالبی از سوی قرآن ارایه گردید. یعنی روش آن کلام مقدس است، برای مجسم ساختن این موضوع عقلانی، مثال حسی زیبا و رسایی بیان می کند و می گوید:

"آنها (که غیر خدا را می خوانند) همچون کسی هستند که کفهای (دست) خود را به سوی آب می کشاید تا آب به دهانش برسد، و هرگز نخواهد رسید!"

داستان کسی که غیر از خدا (بت) را می خواند ، مانند شخصی است که برای رفع تشنگی ادای آب برداشتن را در می آورد. در حالی که آب به دهان بردن صورتی از آب آشامیدن است.

قرآن عظیم الشان در آیات متعددی، بندگان خود را متوجه این می سازد که اعتقاد راسخ و یقین کامل باید به این پیدا کنند، که مالک نفع و ضرر جز خداوند یکتا و یگانه کسی دیگر نیست. فلهذا یاری خواستن از بندگان، ولو که عزیز ترین و مقرب ترین بندگان او تعالی، یعنی انبیاء هم باشند، درست نیست.

در صورتی که پیامبران اولو العزمی چون: حضرت رسول مقبول صلی الله تعالی علیه وسلم، با وجود داشتن چنین عظمت و بزرگواری، خود را در موقعیتی بالاتر از پیام رسانان خدا قرار ندهند و برای خود و دیگری مالک هیچ نفع و ضرری به جز مقدرات بشری نباشند، پس نیایشگر چگونه به خود اجازه می دهد تا از آنهایی که پائین تر از درجهء پیامبری خدا قرار دارند ، طلب کمک کند و از آنها خواستار رفع مشکلات و مصایب زندگانی خود گردد؟

ادامه دارد

ولس د سرحدي پاسوالو په ننګه دی

عبدالمتین

د یکشنبې په ورځ د ثور په ۲۳ مه د پکتیا ولایت د اریوب خاخیو ولسوالی په ګوییي سیمه کې د هېواد د سرحدي پولیسو او پاکستانیو ملیشو تر منځ ځکمنی او هوا یې نښته وشوه، چې سپکې او درنې وسلې په کې وکارېدی او له دوارو لوریونه په لس ګونه تنه مړه او ټپیان شوي دي او د پکتیا د مسوولینو په وینا په وژل شویو کې شپږ تنه سرحدي پاسوال او دیارلس تنه ملکي وګړي دي. د پاکستان له لورې نه په هوایي بمبارۍ کې ۴۸ کورونه ویجاړ شوي دي او د سیمې خلکو د پاکستان یوه چورلکه هم راغورځولې ده.

جنرال عظیمي د ثور په ۲۴ مه په یوې خبرې غونډې کې وویل: "چې سیمه ییز خلک له ملي بیرغونو او ډهلو سره را ووتل او د سرحدي پاسوالانو او ۲۰۳ نمبر قول اردو له خواکونو سره یو ځای شول او امرته ستړګې پرلار دي او ښځو پر دوډۍ پخولو سربېره له لرګیونه د سنګرونو په جوړونه کې بوخل بیا خپله تاریخي میرانه جوته کړه ده. ده زیاته کړه چې جګړه نن پنځلس کم دولس بجې پای ته ورسېده. د رسنیو خبرونو له مخې د افغانستان او امریکا یو کډ پلاوی تري منګل ته لاړ خو چې راستنېده: نو پاکستاني پوځي نو په شخصي جامو کې پر امریکایي افسرانو ډزې وکړې او دوه تنه امریکایي پوځیان یې و وژل. او هغه امریکایي چورلکه چې د دوی د امنیت لپاره ګرځېده. راکښوته او به کې ناستو کوماندو پر پاکستانیو ډزې وکړې او پنځه تنه یې ترې ووژل. یو ژبارن او دوه تنه افغان پوځیان په کې ټپیان شول.

د دې نښتې د پېښېدو په اړه تر اوسه پورې دوه نظرونه دي:

الف: "د پکتیا والي وایي چې پاکستانیو سرتېرو د افغانستان په برخه کې خپله یوه امنیتي پوسته جوړوله چې د سرحدي پولیسو له مقاومت سره مخ شول."

ب: "یو شمیر نور وایي چې دا نښته یوازې د یو سوء تفاهم زېږنده وه او هغه دا چې، افغان پولیسو به چې کله له پولې نه اخوا د اوبو راړولو لپاره تېرېدل؛ نو د نښتې په توګه به یې پر هینداري رنا خوروله: خو دا ځل داسې و نه شول او جګړه پیل شوه او لومړی ډزې پاکستاني لورې پیل کړې."

د نښتې د پېښېدو لامل چې هر څه وي دا به وروسته په ډاګه شي: نو هغه څه چې له دې پېښې زمونږ د هېوادني روحیې د پیاوړې کېدو او د خپل ملي غرور د لوړولو لپاره مطرح کولای شو دا دي:

(۱) د هېواد سرحدي ملي پولیس د دې وسه او روحیه لري چې د پاکستان غونډي نو خواک سره دغرد و وهي او د الوتکي په رانسکورېدو او د هغوی له ډېری غوسې نه (چې پر امریکائیانو یې ډزې وکړې) یې څرګندېږي، چې هغه د خوشحال خټک شعر پرې تطبیق شو چې:

"تر اوسه یې ماغزه په قرار نه دی
چا چې ما سره وهلی سر په سنګ دی"

میړنیو افغانانو د پخواني شوروي اتحاد ستره امپراتوري ړنګه وړې کړه او د هغوی طلسم یې مات کړ؛ نور کوچنی کوچنی یرغلګران او د پردیو لوبخوته خو اصلاً په تیته نه ګوري.

(۲) او پاکستان ته ښایي چې له دې پېښې نه عبرت واخلي او له افغانستان سره په اړه په تیره بیا د پولو په باب په خپل تګلاره کې له سره نوي کتنه وکړي.

(۳) د سیمې خلکو د خپلې حاوړې اوریږن له سرتېرو پاسوالانو څخه په میړانه ننګه وکړه او دا راښیي چې په هېواد کې د نظام جوړونې روحیه سلبېنت احسې، ولس د خپلې ملي اردو او پولیسو ملاتړی دی او ډېر ژر به د ولس په ملاتړ د انتظامي قواوو د جوړولو بهیر په بریا تر سره شي.

(۴) دا چې د تري منګل لاره له اقتصادي پلوه ځایي اوسېدونکیو ته مهمه ده چې که پرې ښده شي: نو له ستونزو سره به مخ شي. خو له خاورې او دین سره مینه یې وښوده. چې د عزت مرګ منلای شو. خو د پردیو تیری نه.

(۵) امریکا، پاکستان له ترهګرۍ سره په مقابله کې خپل استراتژیک دوست ګڼي او په دې لاره کې یې پاکستان ته لس میلیارده ډالره ورکړي؛ خو تجربې ثابته کړه چې پاکستان په خپل نیت کې صفانه دی او له چل ول نه کار اخلي او په اصطلاح امریکا سیندته تږي وړي او راوړي او په تیره بیا د ثور په ۲۴ مه یې په خپله خاوره کې دوه امریکایي پوځیان ناحقه ووژل. سره له دې چې د منځګړتوب لپاره ورغلي وو؛ نو ځکه ښایي چې امریکا هم له دې پېښې نه داسې پند واخلي چې د دې استراتژیک دوست په باب خپل "لید" بدل کړي ځکه دې دوستۍ خو د امریکا نړیوال حیثیت تر پوښتنې لاندې ونیو او دا لا څه چې پاکستان نه خپله خاوره کې د امریکایي خواکونو وژل. څومره د امریکا د اردو حیثیت ټکنی کوي.

(۶) له ګردو هېوادوالو څخه غوارو، چې د افغانستان د پولو د خوندېتوب په پلوي په هره سیمه او ولسوالی او لویو لویو ښارونو کې پر لاریونو لاس پورې کړي؛ چې د تري

په تاریخ کې ځینې پېښې برخلیک جوړونکې وي؛ نو ځکه مونږ باید د دې پېښې د پراخه انعکاس لپاره په تبلیغاتو لاس پورې کړو او له رسنیو او ټولو ملي خبریالانو او ژورنالیستانو او لیکوالو او شننونکیو څخه غواړو، چې د هېواد د ملي روحیې د پیاوړتیا او د ملی غرور د احساس ژوندی ساتلو لپاره دا پېښه ښه وځلوي

کوونکیو په وړاندې دا ډول حرکتونه د ملي یو والي او یو موټي توب نښانه ده، او له نیکه مرغه چې په څو ولایتونو کې دا خوځښتونه ترسره شوي هم دي. په تاریخ کې ځینې پېښې برخلیک جوړونکې وي؛ نو ځکه مونږ باید د دې پېښې د پراخه انعکاس لپاره په تبلیغاتو لاس پورې کړو او له رسنیو او ټولو ملي خبریالانو او ژورنالیستانو او لیکوالو او شننونکیو څخه غوارو، چې د هېواد د ملي روحیې د پیاوړتیا او د ملی غرور د احساس ژوندی ساتلو لپاره دا پېښه ښه وځلوي

تل دې وي میړني هېوادوال
تل دې وي د ورونو اقوامو تر منځ ملي روحیه

ستره محکمه، پارلمان، رئیس جمهور و ...

شانس می دهد تا به تقابل رأی صادره بپردازد.

توجه شود که جا به جایی کلمات توسط قانونگذار، چقدر مهم می تواند باشد. قانونگذار تعداد آراء برای سلب اعتماد وزیر را برابر به اکثریت آرای کل اعضای ولسی جرگه (نه اکثریت اعضای حاضر و نه اکثریت نصاب ولسی جرگه) خوانده است. از آن جا که ولسی جرگهٔ افغانستان می تواند بر مبنای مادهٔ هشتاد و سوم قانون اساسی، حد اکثر ۲۵۰ عضو داشته باشد، تعداد آرای مورد ضرورت، حد اقل به ۱۲۶ می رسد.

بند دوم مادهٔ ۶۱ اصول وظایف داخلی مجلس نمایندگان حکم می کند:

"رأی گیری در تمام حالات علنی می باشد مگر اینکه خصوصیت موضوع سری بودن آنرا تجویز نماید ."

ولی در همین مورد ویژه (سلب اعتماد از وزیر) حتا قانون اساسی هم، صراحت رأی یا به عبارهٔ دیگر بنابر دلایل ارائه شده فوق، علنی بودن آن را تجویز می کند؛ در حالی که رأی صادره سری بود تا صریح و علنی.

... و اما در مورد رأی گیری مجدد: اصول وظایف داخلی مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) رأی گیری مجدد را صرفاً در صورت بروز شک در طریقهٔ بلند کردن دست، چنین مجاز می داند:

"ماده شصت و دوم :درصورت بروز شک در مورد رأی گیری توسط بالاکردن دست، رئیس از اعضای جرگه تقاضای رأی گیری بوسیله نشستن و برخاستن را می نماید و در صورت تکرار شک، رأی گیری توسط ورق رأی دهی و انداختن در صندوق ها بطور علنی صورت می پذیرد"

حالا که شک در رابطه به یک رأی صادره، آن هم در رأی گیری سری بروز کرده است، چه باید کرد؟ آیا دلیلی وجود دارد که بتوان به اساس آن به رأی گیری مجدد سری پرداخت؟ و اگر این کار بدون ارائهٔ دلیل قانونی صورت گرفته باشد، پس صلاحیت و مسؤولیت رئیس جمهور منحیث مراقبت کننده از تطبیق قانون اساسی چیست؟

فقرهٔ اول مادهٔ ۶۴ قانون اساسی حکم می کند که مراقبت از اجرای قانون اساسی از صلاحیت ها و وظایف رئیس جمهور است.

به نظر نگارنده، رئیس جمهور خود به خود و به صورت بسیار طبیعی و قانونی این صلاحیت را دارد که مسائل مربوط به استیضاح و رد صلاحیت وزراء و هم چنان نحوهٔ تطبیق و رعایت قانون اساسی در این خصوص را شخصاً مورد رسیده گی قرار داده و یا در صورت لزوم آن را به قوهٔ دیگر (قضائیه) واگذار گردد.

البته نباید فراموش کرد که در نخستین دور رای دهی به وزراء، خود ولسی جرگه (مجلس نماینده گان) قضیهٔ مربوط به وزرای مخابرات، انکشاف شهری و عودت مهاجرین را به ستره محکمه راجع ساخته و تصمیم نهایی توسط آن ارگان اتخاذ گردیده بود.

از دیدی دیگر، تفسیر قانون توسط یک مرجع رسمی حیثیت حکم را دارد و یگانه مرجعی هم که می تواند حکم نهایی را صادر کند، همانا ستره محکمه یا دادگاه عالی می تواند باشد. برعلاوه بادرنظرداشت مادهٔ یکصد و بیستم قانون اساسی که صلاحیت قوهٔ قضائیه را رسیدگی به تمام دعاویی اقامه یافته از جانب اشخاص حقیقی یا حکمی به شمول دولت می داند و هر یک از اینان را اجازه می دهد که به حیث مدعی یا مدعی علیه در پیشگاه محکمه حاضر گردند.

پس در چنین حالتی که اختلاف رأی میان قوهٔ اجرائیه و مقننه ظهور کرده است، کدام مرجع غیر از ستره محکمه می تواند به آن رسیده گی نماید؟

از دید نگارنده، این مرجع فقط ستره محکمه می تواند باشد و این که سایرین در این مورد چه نظری دارند، امیدوارم با این نبشته، بحثی مستدل را در این خصوص آغاز بداریم.

از استیضاح پارلمان تا استهزای ...

ناشی از اشتباه در تقسیر مادهء یکصد وبیست و یکم قانون اساسی است که می گوید:

بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول، و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها براساس تقاضای حکومت ویا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می باشد.

بنابراین روشن است که وظیفهء ستره محکمه تفسیر قانون اساسی نیست. اما مرجعی که باید همین مادهء قانون را تفسیر نماید نیز وجود ندارد.

رئیس جمهور با فرستادن این مسئله به سترد محکمه، بازی خطرناکی را آغاز کرده است. وی می خواهد مشکلی را که ناشی از ضعف وزرای بی کفایت کابینه است، به کشمکش میان قوهء قضائیه و مقننه مبدل سازد و خود را در این مسئله بی طرف نشان دهد.

در مورد سپنتا این مسئله بارها مورد بحث قرار گرفته که وی حاضر نیست از تابعیت دوم خود دست بردارد. آقای کرزی با چشم پوشی از این مسئله در حقیقت از وظیفهٔ خود تطبیق قانون اساسی و حراست از آن است سر باز می زند.

سپنتا سیزده ماه قبل از پارلمان رای تائید گرفت و به این سمت برگزیده شد. اما در سلب اعتماد از وی وکلای حامی کرزی و اپوزیسیون با هم اتفاق داشتند. این مسئله نشان می دهد که سپنتا از نظر پارلمان دیگر صلاحیت ادامهء کار را ندارد.

به هرحال رئیس جمهور با اقدام خویش در دفاع از سپنتا، استیضاح ولسی جرگه را به استهزا گرفت. اکنون با نمایندگان مردم است که در برابر این عمل رئیس جمهور تا چه حد توان ایستادگی را دارند و از حق مشروع و قانونی خویش دفاع خواهند کرد.

هفته نامهٔ

وانان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالي‌ترين آرزوهاي ملت

دور ششم سال ششم شمارهٔ ششم شنبه ۲۹ ثور ۱۳۸٦ ۲ جمادی الأول ۱٤۲۸ – May 19 , 2007



بزرگداشت هشتصدمین سالروز تولد مولانا در کابل

سیمنار سه روزه ای به مناسبت هشتصدمین سال تولد مولانا جلال الدین محمد بلخی، عارف و سخنور مشهور در کابل گشایش یافت و در آن شخصیت های فرهنگی از افغانستان و برخی کشورهای جهان شرکت کرده بودند.

این سیمنار از سوی وزرات اطلاعات و فرهنگ به همکاری سازمان علمی – آموزشی ملل متحد (یونسکو) به تاریخ ۲۳ و ۲۴ ثور در هتل کانتی نینتال کابل و به تاریخ ۲۵ ثور در شهر مزار شریف (زادگاه مولانا) برگزار شد. افغانستان از چندین ماه به این سو دست اندکار برگزاری این سیمنار بوده و کمیسیون چهل نفری را نیز به همین منظور توظیف کرده بود.

سال ۲۰۰۷ میلادی از سوی سازمان ملل متحد، سال مولانا جلال الدین محمد بلخی نامگذاری شده و براساس گزارش ها قرار است در کشورهای ایران، ترکیه و مصر نیز مراسم ویژه ای به همین مناسبت برگزار شود. این نام گزاری برای نخستین بار از سوی کشور ترکیه پیشنهاد شد ولی به زودی با استقبال دیگر کشورهای جهان و به ویژه کشورهای روبرو شد که به نحوی با این شخصیت مهم ادبی و عرفانی قرن سیزدهم میلادی رابطه دارند.

در روز نخست سیمنار و در محفل افتتاحیه حامد کرزی، رئیس جمهور افغانستان در سخنان خود از برگزاری سیمنار مولانا اظهار خرسندی کرد و پیام مولانا را برای بشریت پیام صلح و مهربانی خواند و گفت او نمی تواند به یک ملت و کشور خاص محدود شود.

رئیس جمهور افزود: مولانای بلخ از جملهٔ شاعران و فیلسوف بزرگ دنیاست برای زبان دری عظمت بزرگی را به میان آورد. شعر، فلسفه و مفکورهٔ مولانا بیانگر ارزش های انسانی و بشری است و مردم افغانستان باید افتخار نمایند که این فرزند متولد بلخ افغانستان، امروز فرزند تمام جهان است و همهٔ جهانیان به او می بالند.

رئیس جمهور علاوه کرد، امروز آثار مولانای بلخ علاوه بر زبان های دری و پشتو به لسان های خارجی ترجمه شده و مطالعهٔ آثار مولانا و برای مسلمان و غیر مسلمان آرام بخش است.

ظاهر عزیز، نماینده افغانستان در یونسکو نیز در این سیمنار صحبت نمود و گفت قرار است در سال ۲۰۰۷ سیمنارهای ویژه در کشورهای ترکیه، مصر و ایران برگزار شود و یونسکو نشان ویژه ای را به نام مولانا جلال الدین محمد بلخی مسما کرده که برای گرامیداشت از فعالیت های فرهنگی و علمی اختصاص دارد.

وزیر اطلاعات و فرهنگ که نخستین سخنران بود گفت، خداوندگار بلخ را نا بسامانی های سیاسی از نیستان زادگاهش برید ولی آتش نوایش جهانی و جاودانی شد.

صبغت الله مجددی نیز از سخنرانان سیمینار بود. او مثنوی معنوی مولانا را، قرآن فارسی خواند زیرا همهٔ متن آن آیات و احادیث است.

سپس عبدالعزیز مدیر بخش فرهنگی سازمان اسلامی در مورد زادگاه، ابعاد زندگی، دورهٔ تحصیل و آثار مولانای بلخ توضیحات داد.

همچنان پیام های اکادیمی علوم، دانشگاه کابل بدین مناسبت قرائت شد و در بعد از ظهر تعدادی از مقالات توسط دانشمندان به خوانش گرفته شد که بعد از قرائت هر مقاله روی آن بحث و تبادل نظر می نمودند.

در روز دوم سیمنار (۲۴ ثور) مقالاتی از استاد قاسمی دانشمند هندی، ستیفن دانشمند آلمانی، پوهاند محمد حسین یمین استاد دانشگاه کابل، وفا سمندر، حیدری وجودی، دکتر محمد حلیم تنویر، دکتر عدنان از ترکیه و برخی دانشمندان مقالات شان را پیرامون مثنوی، نقش و سیمای مولانا و زندگی آن حضرت به خوانش گرفتند.

سومین روز سیمینار بین المللی علمی و تحقیقی حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی در زادگاهش (ولایت بلخ) دایر و جمعی از میهمانان داخلی و خارجی و فرهنگیان و دانشمندان بلخ اشتراک کرده بودند.

اشتراک کنندگان ابتدا از کلبهٔ ویرانه یی که زمانی مهد پرورش اندیشمندان عرفان بود و سلطان العلماء پدر بزرگوار مولانا در آن خانه، به شاگردانش تدریس می کرد، دیدن نمودند. این خانقاه در ۲۲ کیلومتری شهر مزار شریف در ولسوالی بلخ موقعیت دارد.

بعداً سیمینار در تالار ولایت بلخ شروع به کار کرد و نخست قطعه شعری از مولانا قرائت شد و متعاقباً استاد عطا محمد نور والی ولایت بلخ در مورد ابعاد مختلف زندگی و فرهنگی و عرفانی مولانا صحبت [illegible] بلخ زادگاه حضرت مولانا، مهد پرورش [illegible]، علما و شاعران در طول تاریخ بوده است.

آقای دین محمد مبارز راشدی معین نشراتی وزارت اطلاعات و فرهنگ، روی فرهنگ سازی و غنامندی فرهنگی تأکید نموده گفت: ارزو می رود تا زمینه های بهتر فرهنگ و فرهنگ سازی با برگزاری سیمینارها و نشست های علما، دانشمندان و فرهنگیان در کشور فراهم گردد.

اظهر دهلوی یک تن از اشتراک کنندگان سیمینار گفت: در قانون اساسی هند مفکورهٔ اندیشه های مولانا تبلور یافته است و پیام حضرت مولانا، پیام همزیستی است زیرا او پرده ها و دیوارها میان ملت ها را برداشته است.

در اخیر کار ختم این سیمینار توسط دکتر روان فرهادی جمعبندی و به ارزیابی گرفته شد.

ستره محکمه، پارلمان، رئیس جمهور و سلب صلاحیت وزیر خارجه

هـ . ح. شاهد

بسیار مایلم در رابطه به این که اقدام رئیس جمهور در خصوص فرستادن قضیهٔ سلب اعتماد از وزیر خارجه به دادگاه عالی (ستره محکمه) در مطابقت با قانون اساسی و اصول وظایف داخلی ولسی جرگه قرار دارد یا خیر، بحثی مستدل را راه بیندازیم. این بحث را که بدون تردید دیدگاه و برداشت شخصی نگارنده را ارائه می کند، می آغازم و امیدوارم کسانی برای ادامه دادن به آن، من و خوانندگان را یاری رسانند:

رأی گیری بار دوم مجلس نمایندگان (ولسی جرگه) در رابطه به سلب صلاحیت وزیر خارجهٔ کشور، منجر به واکنش رئیس جمهور کرزی گردید و در برآیند آن، موضوع جهت اخذ تصمیم نهایی به دادگاه عالی (ستره محکمه) ارسال گردید.

در نخستین رأی گیری برای سلب صلاحیت وزیر خارجه، مخالفان او صرفاً با تفاوت یک رأی نتوانستند به تعداد لازم آرا (۱۲۵) برای سلب صلاحیت او برسند و همان شد که رأی گیری بار دوم را منحیث راه حلی برای پایان دادن به سرنوشت یک رأی مشکوک، برگزیدند که در نتیجه ۱۴۱ رأی در جهت سلب صلاحیت وزیر خارجه به صندوق ریخته شد.

آیا روند انجام یافته در جهت سلب صلاحیت [illegible] قانون اساسی و اصول وظایف داخلی مجلس نمایندگان سازگار بوده است؟

آیا اقدام رئیس جمهور برای ارجاع مساله به قوهٔ قضائیه در مطابقت با قانون قرار دارد؟

بند سوم مادهٔ ۹۲ قانون اساسی افغانستان حکم می کند:

"رأی عدم اعتماد از وزیر باید **صریح**، **مستقیم** و **بر اساس دلایل موجه** باشد. این رأی به **اکثریت آرای کل اعضای ولسی جرگه** صادر می گردد"

در این بند مواردی به عنوان پیش شرط برای موضوعی ویژه که همانا سلب صلاحیت یا عدم اعتماد است، مطرح گردیده و از آنجا که هیچ قانون و مقرره یی نمی تواند در مخالفت با مواد قانون اساسی، وضع گردد؛ بناء مراجعه به سایر اسناد و مدارک در این زمینه کاملاً ناموجه بوده و بایست همین بند توضیح بیابد.

از دید نگارنده، رأی صریح همانست که هیچ نوع شبه و تردید در آن موجود نبوده و مراد از آن کاملاً واضح باشد. این رأی باید به صورت (بلی) و یا (نه) و یا (رد) یا (تائید) صادر گردد؛ بناء اگر همه گان در این مسأله توافق داشته باشند، پس رأی ممتنع در سلب صلاحیت از وزیر مجاز نیست و یگانه راه جلوگیری از صدور آن، رأی گیری علنی است؛ زیرا در غیر صورت صادر کنندهٔ رأی ممتنع شناخته نخواهد شد و صراحت از بین می رود. بناء هیچ تفاوتی بین رأی صریح و رأی علنی وجود ندارد، مگر آن که تضمینی قوی برای عدم اصدار رأی ممتنع در رأی گیری سری موجود باشد که ممکن به نظر نمی رسد.

شرط مستقیم بودن رأی همان است که رأی توسط خود شخص و به گونهٔ مستقیم، صادر شود؛ در این مورد کسی مجال وکالت از کسی دیگر را ندارد.

مبتنی بودن رأی بر اساس دلایل موجه، فقط در صورتی میسر است که شخص رأی صریح و علنی (رد یا تائید را) صادر نموده و دلایل کافی نیز برای آن داشته باشد. این پیش شرط برای وزیر، ادامه در ص۷

د اسلامی کنفرانس د بهرنیو چارو د وزیرانو په غونډه کې:

په۱۳۸۷ ل کې دې په کابل کې د اسلامي کنفرانس د غړیو هېوادونو د عالمانو غونډه جوړه شي

د اسلامی هېوادونو د کنفرانس (۳۴) مه غونډه، د ثور په ۲۵ مه د پاکستان په مرکز اسلام آباد کې د "سولی، پرمختګ او همغږی" په نامه جوړه شوه چې غړي هېوادونو په کې خپل سیاسي، اقتصادي، ټولنیز او فرهنګي ستونزې وڅیړلې، د افغانستان له لوري نه د بهرنیو چارو د وزارت مرستیال په مشری یو پلاوي په کې ګډون کړې و او افغانستان له غړیو هېوادونو څخه وغوښتل چې د راتلونکی کال په پسرلی کې دې په کابل کې د دې هېوادونو غونډه جوړه شي او د ترهګری په اړه دې بحث وکړي.

روسیه چې په ۱۳۸۴ کې د دې سازمان د ناظر په توګه منلی شوې وه، په غونډه کې برخه لرله.

د پاکستان ولسمشر د خپلو خبرو په ترڅ کې وویل: "دا سازمان دې د سولې د پاسوالی لپاره خپلواک پوخي تشکیلات جوړ کړي او عراق ته دې یې ولیږي. کنفرانس د افغانستان، فلسطین، عراق، سومالیا، جامو او کشمیر، نړیوالې ترهګري، په نامسلمانو ټولنو کې د مسلمانو لږکیو پر وضعیت او د یو داسې میکانیزم منځ ته راوستل چې دا سازمان د خپلو غړیو ترمنځ اختلافات اوار کړي خبرې اترې وکړي.

مشرف زیاته کړه: "اسلامی هېوادونه په خپلواکه توګه او د پردیو له منځګړیتوب پرته د خپلو سیاسي اختلافاتو په اوارولو قادر دي او اسلامي نړۍ یې یو والی ته راوبلله، چې په ګډه دې خپل سیاسي، اقتصادي او ټولنیز مشکلات حل کړي.

مشرف زیاته کړه: چې اسلامی هېوادونه دې هغه خندونه له مخې نه لرې کړي، چې د دوې د وروسته پاتې کېدو لامل شوي دي. په اوسنی وخت د اسلامي نړۍ او لویدیځ ترمنځ اختلاف زیات شوي او کنفرانس دې هڅه وکړي چې دا ناوړه تفاهم له منځه یوسي، دغسې د دې سازمان په منشور کې دې سمونې راشي او په حقیقي توګه دی یې د مالي سرچینو ونډه تضمین شي، او که غړي هېوادونه د خپلو داخلي ناخالصو تولیداتو په سلوکې یوه، دې سازمان ته ورکړي؛ نو کلنی بودجه یې دوه سوو ډالروته رسېږي.

تبصره: پاکستان په اسلامی هېوادونو کې، خان د مسلمانانو خواخوږی بولي او په غونډه کې داسې خبرې کوي، چې د اورېدونکیو پرې ګومان وي، چې حق بیانوي: خو څه چې د پاکستان د خپنو کړیو له لارې نه په افغانستان کې تیرېږي، د پاکستان د ولسمشر ټولې څرګندونې بابېزه ثابتوي، د بهرنیو چارو وزارت ته په کار ده، چې په دغسې غونډو کې د غړیو د پام اړولو لپاره سنجول شوي برنامه جوړه کړي او د خپل ملي او دینی هویت پر څرګندولو سربېره هغه لاسوهنې چې له مشخص ګاونډ نه په دې هېواد کې کیږي د برخوالو پام را واړوي.